صدای آزادی

گستره توزیع: کرماشان، آذربایجان غربی، ایلام، همدان، کردستان، لرستان* ۲۵مهرماه ۱۴۰۰* شماره ۶۱۹* ۸ صفحه

* ۲۰۰۰ تومان

در وضعیت فعلی، مهمترین تصمیمات در عرصه سیاست داخلی کشور چیست؟

امیدواریم که شرایط این گونه نماند!

دکتر علی محمد رشیدی: بـــاید اولین تصمیم‌ها فارغ از هیاهوها و شـــعارها وجار وجنجال‌ها و بر مبنای واقعیات و توان موجود در کشـور، معطوف بـه این موارد باشـد. متوقف نمودن این روندهای تنزلی میسر نیست مگر اینکه نهاد قدرت قاطعانه تصمیم بـه منسـجم سـازی فعالیت‌ها و تیم کاری و حـذف نهادها و کانون‌های متعدد تصمیم گیر وتصمیم‌ساز گرفته و از تجارب جهانی در این عرصه‌ها خود را محروم نسازد...

• یادداشتی از دکتر نیره مردی

کرونا ما را بیدار کرد

سرمقاله

کرماشان آرااااام است!

جلیل آهنگرنژاد

چه عواملی ما را از قطار توسعه جا گذاشته‌اســت؟ سال‌ها و دهه‌های پشت سر نشان داده که دولت در جغرافیای کرماشـــان عملاً نقشـــی درگیر، مؤثر و توسعه‌محور نداشته و تنها کنترل‌چی مسائل اجتماعی و امنیتی بوده است و گر نه این همه مصیبت بر سر این استان آوار نمی شد. مدیران ارشد اعزامی! بـه این منطقه، عملاً خود را بـا چنین نگاهی همساز کرده و دست از تغییر و تحول شسته اند. اینان بـه جای آمران به توسعه، عاملان به آرامش بوده اند و شیپورشـان را بـــه ســـمت مرکز گرفته اند و فریاد بـــرآورده اند: «کرماشان آرااااام اسـت.» چنین نگاهی را این سـال‌ها «بوقک داران مجازی» بیشتر تقـویت کرده اند تا این شیپورچی‌های مامور آسوده تر بخوابند!...

۲

چرا اقدام مؤثری از نمایندگان استان دیده نمی شود؟

وەکیلەیل کرماشان خوەیان شاردنەسەو

بخش عمده‌ای از مشکلات این سال‌های کرماشان بر عهده‌ی نمایندگان ناتوان است

جواد مدلل مدیرعامل گروه صنعتی مدلل:

سرمست به عنوان شهر صنعتی در کشور زبانزد خواهد شد

سهم اورامانات کجاست؟

• محمد آشنا عباس‌منش

کرماشان، استان بلاتکلیف

• امرالله عظیمی

تأییدات فضای مجازی، برخی شاعران را دچار توهم کرده است

• گفتگویی خواندنی با رضا جمشیدی

• وتاریگ لە مازیار نەزەربەیگی

فەرهەنگ و ئابووری دەلیلان پێشکەفتن

• یادداشتی از کتایون محمودی

گروه صنعتی مدلل و اقدامات شایسته‌ی تقدیر

دارەجەنگە و کوومڵگەی ئمڕووژ

• فردەوس هاشمی

دالگەیل عەزیز! هۆرمان وە زوان دالگییەو بوو

بیمه پاسارگاد

بیمه پاسارگاد نمایندگی پیرو

شرکت بیمه پاسـارگاد برای هفتمین سـال متوالی رتبه اول توانگری مالی (میزان توان مالی شرکت در انجام تعهدات مالی) در بین شرکت های بیمه ای را به خود اختصاص داد.
بیمه پاسارگاد نمایندگی پیرو کد ۴۴۰۱ در رشته های بیمه ثالث، بدنه، مسئولیت، عمر و تامین آتیه، آتش سوزی و ... آماده خدمات به همشهریان گرانقدر می باشد.

نمایندگی پیرو

بیمه پاسارگاد

آدرس: شهرک پردیس، بلوار شقایق، دور برگردان اول، نبش ۲۰ متری اول

تلفن ۰۸۳۳۷۲۴۰۲۹۰ همراه ۰۹۱۸۵۸۲۹۸۶۰

پیج اینستاگرام
@bimepasargad4401

بنیاد خیریه مرحوم عزیز شُکری آذربایجانی

بنیاد خیریه مرحوم عزیز شُکری آذربایجانی

شماره شبا بنیاد:
IR-۰۴۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۳۱۲۶۱۵۰۶۱

شماره کارت بنیاد:
۵۸۹۴-۶۳۷۰-۰۰۱۴-۰۱۱۸

نشانی: کرمانشاه، چهارراه بسیج، خیابان محمد باقر صدر جنب مسجد غدیر، برج ماد، طبقه سوم، واحد۹

تلفن: ۰۸۳-۳۸۲۳۲۶۴۲ و ۰۸۳-۳۸۲۴۱۱۸۹

اینستاگرام: azizshokricarity ایمیل: azizshokricarity1400@gmail.com

سرویس خبر: لیلا کیانی

امام جمعه کرمانشاه: بخش زیادی از امنیت کشور را پلیس تامین می کند

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه کرمانشاه گفت: امروز بخش زیادی از امنیت کشور توسط نیروهای انقلابی و جان بر کف پلیس تامین می شود که جای قدردانی ویژه دارد.

آیت الله مصطفی علما اظهار داشت: ماموران نیروی انتظامی با تلاش و زحمات شبانه روزی خود امنیت خوبی در کشور ایجاد کرده اند.وی ادامه داد: اگر روزی پلیس در جامعه حضور نداشته باشد آن زمان به اهمیت حضور این نیروهای مخلص و جهادی پی خواهیم برد و متوجه می شویم حضورشان چقدر با اهمیت و امنیت بخش است و از این رو باید از زحمات یکایک ماموران انتظامی تشکر کرد.

آیت الله علما تصریح کرد: امروز جمهوری اسلامی به برکت نیروهای مسلح مقتدر مانند ارتش، سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، مرزبانی و دیگر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی از امنیت خوبی برخوردار است و تلاش دشمنان برای ناآرامی در کشور بی فایده بوده است.

خطیب جمعه کرمانشاه در ادامه به نزدیکی هفته وحدت اشاره و اظهار کرد: در دهه های اخیر دشمنان برای تفرقه افکنی و ایجاد اختلاف و چند دستگی در کشور و خصوصا بین اهل سنت و شیعه برنامه ریزی زیادی کرده اند.

وی گفت: با این حال و با هوشیاری همه براداران و خواهران شیعه و سنی و علما و رهبران آن ها تیر دشمنان به سنگ خورده و وحدتی کم نظیر میان این دو مذهب چه در کشور و چه در استان کرمانشاه وجود دارد.

آیت الله علما تصریح کرد: وجود اختلافات جزئی در برخی مناسبت ها نباید صدمه ای به این همه اشتراکات میان شیعه و سنی وارد کند که خوشبختانه این گونه هم بوده و هم اهل تشیع و هم اهل سنت با اتحاد، برادری و هم افزایی زیر سایه اسلام توطئه های دشمنان را خنثی کرده اند.

سرمقاله

کرماشان آرااااام است!

جلیل آهنگرنژاد

چه عواملی ما را از قطار توسعه جا گذاشته‌است؟ سال‌ها و دهه‌های پشت سر نشان داده که دولت در جغرافیای کرماشان عملاً نقشی درگیر، مؤثر و توسعه‌محور نداشته و تنها کنترل‌چی مسائل اجتماعی و امنیتی بوده است و گر نه این همه مصیبت بر سر این استان آوار نمی شد.

مدیران ارشد اعزامی به این منطقه، عملاً خود را با چنین نگاهی همساز کرده و دست از تغییر و تحول شسته اند. اینان به جای آمران به توسعه، عاملان آرامش خیالی بوده اند و شیپورشان را به سمت مرکز گرفته اند و فریاد برآورده اند: «کرماشان آرااااام است.» چنین نگاهی را این سالها «بوقک داران مجازی» بیشتر تقویت کرده اند تا این شیپورچی‌های مامور، آسوده‌تر بخوابند!.

حال چه اتفاقی باید بیفتد؟ بدون شک نگاه دولت باید نسبت به کرماشان تغییر کند. این یک خواست تاریخی برای این دیار تاریخی است. این استان در طول تاریخ، فراز و نشیب های بسیاری دیده و دماغه مقاومت در مقابل بسیاری از دردسرهای بزرگ بوده و همچنان یکی از مرزهای مهم و استراتژیک این کشور بزرگ و پهناور است. این را صاحبنظران به درستی می دانند.

اما از بد حادثه نگاه دولت ها به این حوزه همواره بر محور بی اعتنایی چرخیده است. از انتخاب مدیران ارشد غیر بومی گرفته تا بی اعتنایی به استعدادها و پتانسیل های انسانی و طبیعی و بسیاری دیگر از فاکتورهایی که این بی اعتنایی را به نحوی چشمگیر نشان داده است.

حال پس از این همه سال ما بازمانده ایم. بازمانده از قطاری که بسیاری از استانها را به سرمنزل مقصود هدایت کرده است. ما همان مسافر تهی جیبی! هستیم که با کوله ای بر دوش همچنان صبح را به شب می رسانیم و روزهای دیگر همچنان با شناسنامه‌ای منتظر! چشم به راهیم.

تازه این در حالی است که این مردم برای این کهن بوم و بر در هیچ موردی، چیزی کم نگذاشته اند. چه در جنگ هشت ساله، چه در رنج تحریمهای پی در پی و ... از جنگ، تنها نام دومین شهر قهرمان کشوررا در استانمان به یادگاری گذاشتند و همه را به امان خدا رها کردند.

عزیزی در یک نشست ایلی می گفت: «دزفول اولین شهر قهرمان کشور شد. پس از آن مسؤولان کاردان آن استان موجب شدند تا این شهر را در بُعد اقتصادی تا آنجا که جا داشت، به سوی پیشرفت بکشانند.»

اما ما چه؟ در آن گیر و دار چه کسی پاسخ آن همه جانفشانی را داد؟ و چه خوب می گفت: «که تنها در میان متن های ادبی نام «دومین شهر قهرمان» را شنیدیم و دیگر هیچ.»

به یقین باید نگاههای مردمی تغییر کند. مردم باید بدانند که تا مطالبه گری، شکلی همگانی و جدی به خود نگیرد، هیچ نجات دهنده‌ای در راه نیست و ما در مقابل نسل امروز و آیندگان این خاک مسؤولیم. باید به تک تک آنها پاسخگو باشیم که چرا این استان به این روزهای فلاکت بار افتاد و کسی دم نزد؟ کدام زیرساختها برای نسل آینده مهیا شده است؟ و...

مگر جز این است که در این خزان تدبیر دولتیان، تنها یکی دو چراغ روشن است که کارهایی مقبول انجام دهند؟ آن هم در بخش خصوصی و به همت بزرگمردانی همچون: «مدلل ها» که با اقداماتشان نور امید به کلبه های مردمان بسیاری از هم استانی هایمان تابیده است ...

براستی که هیچ جمله ای به این سادگی نمی تواند بیانگر واقعیت مطالبه گری باشد که: «خواستن توانستن است.» باید بخواهیم و از دولتیان مطالبه گری کنیم.

چرا اقدام مؤثری از نمایندگان استان دیده نمی شود؟

وه‌کیله‌یل کرماشان خوه‌یان‌شاردنه‌سه‌و

بخش عمده‌ای از مشکلات این سال‌های کرماشان بر عهده‌ی نمایندگان ناتوان است

بیایید برای لحظاتی به دو سال پیش برویم. روزهای انتخابات یا بهتر بگویم: روزها و ماههای نزدیک به تبلیغات انتخابات مجلس شواری اسلامی. در کوچه ها و پس کوچه ، کاندیداهایی که یقه ات را می چسبیدند. با واسطه و بی واسطه!.

گوشی ات که زنگ می خورد، صدای گرم و مهربان کاندیدایی که می شد لبخندش را از پشت گوشی ببینی! و چقدر خوشحال بودیم که عجب نماینده هایی داریم . و حالا نمایندگانی که نه سیما دارند و نه صدا . شماره هایی که تا دیروز انتخابات در تماس مداوم با تو بودند حالَا انگار که در شبکه غیب شده اند.

دیگر از آن همه تصاویر شیرین و شعارهای دلفریب خبری نیست. کی به یاد دارد که مثلاً جناب مصری در برگه های تبلیغاتش چه نوشته بود؟ ابراهیم عزیزی برای رسیدن به مجلس چگونه تبلیغ می کرد؟

شهریار حیدری چقدر صمیمانه و البته شجاعانه از مطالبات مردم می گفت؟ بخشی پور چگونه مردم محروم اسلام آباد را به وجد آورد که همه آنانی که خانه نداشتند، تمام شب های انتخابات، خودرا صاحب خانه می دیدند و الی آخر.

کم کم که برای چهار سال خودرا صاحب صندلی سبز مجلس دیدند، همه چیز تغییر کرد. برخی از آنان شاید بعد از انتخاب شدن، هنوز کرماشان را ندیده اند. احتمالا دلشان هم برای اینجا تنگ نشده باشد.

برخی دیگر به مردمی که برگ نمایندگی را از آنان گرفته اند، اعتنایی ندارند. حالا اگر همه اینها را کناری بگذاریم و اصلاً به خاطر مبارکمان نیاوریم، عالیجنابان به اتفاقات کلان این استان هم وقعی نمی گذارند.

نمونه اش انتخاب استاندار است. یا ما بی خبریم (که الزماً باید خبری از آنان به گوش ما هم می رسید،) یا انگار کرماشان دغدغه اولشان نیست. استاندار به چه کارشان می آید؟ یکی دنبال دبیری در مجلس است. دیگری نایب است. سومی دنبال تحولات سیاسی در اروپا و امریکای لاتین می گردد. از بقیه هم تقریباً بی خبریم.

نماینده های محترم حتما حق با شماست. خودتان را قایم کنید. به قول کوردی‌اش: «خوه‌دان بشارنه‌و!» دو سال دیگر بازهم می آیید و ما هم که حافظه ی ماهی گلی داریم!.

شش ماه مانده به پایان دوره نه چندان انتخابی تان! باز هم پیدایتان می شود. استان همان استان مظلوم و بیکار و شما هم چهار سالتان را به پایان رسانده و در صدد تجدید آنید. ولی نه ! شما تجدید شده اید! و تا مردودیتان زمانی بیش نمانده است. باز هم پیدایتان می شود با پیامهای ناموقع و بی ربطتان . خدا کند که تا آن وقت حافظه ما هم خوب بشود.

یکی از مخاطبان صدای آزادی که نخواست نامش ذکر شود در این باره نوشت: « به نظر در این دوره نمایندگان استان در مجلس، مانند ادوار گذشته با هم هماهنگی لازم برای پیشبرد امور مردم در استان را ندارند و شاید در برخی امور منافع شخصی برخی ارجحیت بر منافع استان و شهَر محل نمایندگی را دارد.

چنانچه تا تغییر آبدارچی بخشداری در یک بخش را نیز دخالت کرده و حق خود می دانند و البته بدون هماهنگی چند نفر با هم مدعی محق تغییر.

برخی نیز نمایندگی را پلی برای رسیدن به وزارت می دانستند که مثل اینکه نشد که بشود و برخی دیگر حتی سودای استانداری را هم در سر داشتند که برخی دیگر مانع شدند حال تکلیف رای مردم که به آنان اعتماد کرده اند چه می شد،الله و اعلم.

برخی از نمد نمایندگی فقط به فکر درست کردن کلاه خود و نزدیکان خود هستند. برخی اصلا وجود ندارد حتی در مرکز هم خبری از آنان نیست چه برسد به استان کرماشان.

برخی درپی امتیاز استخدامی،ارتقا و گرفتن پستهای بالای مدیریتی برای نزدیکان خود در ستادهای دوران انتخابات هستند و این باعث عدم هماهنگی برای استان شده است چنانچه حتی در بحث انتخاب استاندار که همگان از ضرورتهای مهم برای کرماشان می دانند؛ به بیان معاون اول رییس جمهور تاخیر انتخاب استاندار برعهده نمایندگان است. چرا؟

حرف و حدیثهای گوناگون به گوش می رسد. حتی برخی تا ابقای استاندار کنونی هم رفتند.»

ویژه

گروه صنعتی مدلل و کارهایی شایسته‌ی تقدیر

کتایون محمودی

گرچه این روزها ، نام کرماشان با فقر و بیکاری گره خورده است ؛ ولی باید کمی منصف بود و نبض اقتصادی منطقه ، که با نام ناز گل و سیمان سامان می تپد هم یادی کرد که دوشادوش دیگر فعالان اقتصادی ، برای مهار دیو بیکاری مردانه در میدان هستند .

اشاره به اقدامات مفید این فعالان ، در واقع دست مریزادی است که ما فعالیت شان در این روزهای سخت را از یاد نبرده ایم و قدر دان حضورشان هستیم .

ردپای توسعه در استان که جوانان بسیاری را به همکاری با خود طلبیده تا جان به لب رسیده ی معیشت مردم را به زندگی و حیات نوید دهد .

هشت سال جنگ و تخریب زیر ساخت ها و رشد قارچ گونه ی موانع توسعه هم نتوانست حرکت مجتمع کشت و صنعت ناز گل را انکار کند . با همت و پشتکار گروه صنعتی مدلل ، این نقطه از استان ، حتی در ایران و خاورمیانه هم حرفی برای گفتن و مطرح شدن دارد .

در کنار پیاده کردن برنامه ی (تولید روغن با ترانس پایین چربی) که هزینه ی زیادی در تغییر سیستم فرآوری تولید وارد کرد ؛ اما توانست روغن سالم تری را در عرصه ی تولید به بازار عرضه کند .

کمک به حل مشکل بیکاری در حد توان ، راه اندازی گاوداری کشت و صنعت باوان در حوزه ی فراوری شیر و فراورده های لبنی از دیگر کارهای در خور اعتنای گروه صنعتی مدلل است .

بی نیاز کردن بازار از واردات روغن و اشباع آن و استفاده هوشمندانه از پتانسیلی همجواری با مرز در آینده نزدیک ، از دیگر امتیازات حضور این نعمت در استان است .

از برجسته ترین کارهای آقای مدلل در استان ، تهیه ی دومین دستگاه آنژوگرافی برای استان بود که انجمن پیشگیری از بیمارهای قلب و عروق تهیه کرده بود و همیاری ایشان ، در تسهیل آن دخیل بود ، همچنین ده ها کار اجتماعی دیگر که فرزند عشایر در غرب را در صدر می نشاند و لایق تحسین و قدر دانی می کند .

هنر غیرت ایلات ، تنها در نگاهبانی مرز و دفاع از خاک و وطن خلاصه نشد و فرزندان ایل ، پای در احیای اقتصاد گذاشتند و خوش درخشید ند .

معضل بیکاری و بیداد آن در استان ، به همت مجتمع تولیدی روغن نازگل و سیمان سامان و فعالیت بی وقفه ی دیگر دلسوزان عرصه ی تولید ، در حد قابل توجهی ، مهار شد و اگر حمایت های لازم صورت بگیرد ؛ می تواند ملموس تر گردد.

ساخت همراه سرا برای همراه بیماران در تهران ، از دیگر کارهای گروه صنعتی مدلل است که باید از خداوند قوام آن را طلبید .

برای گروه مدلل و سایر فعالان اقتصادی که در روزهای سخت تحریم هم کنار ملت شان بودند ؛ آرزوی چرخیدن دایم چرخ های کارخانه هایشان داریم و روزهای روشن تری را برایشان آرزو داریم تا مقام پنجمی استان را دوباره از حاشیه به متن بیاورند و شاهد روزهای رونق باشیم .

انا لله و انا الیه راجعون

همکار گرامی سرکار خانم دکتر زینب اکبری

بدینوسیله کوچ ابدی دایی گرامی تان را تسلیت می گوییم. از درگاه باریتعالی برای آن عزیز سفر کرده رحمت و مغفرت و برای بازماندگان، شکیبایی آرزو می کنیم. روحش شاد و یادش گرامی باد

مدیرمسؤول و
کارکنان هفته نامه صدای آزادی

مدرسه خَیرساز ۶ کلاسه در سنقر و کلیایی کلنگ‌زنی شد

مدرسه ۶ کلاسه خَیرساز شهر سطر از توابع شهرستان سنقر و کلیایی عصر سه شنبه با حضور مسوولان استان کرمانشاه کلنگ زنی شد.

به گزارش ایرنا، آیین کلنگ زنی مدرسه ۶ کلاسه شهر سطر، با حضور معاون سیاسی فرماندار سنقروکلیایی، مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان، بخشدار کلیایی، مدیریت آموزش و پرورش، رییس مجمع خیرین استان و شهرستان، خیرین و برخی از مسوولین ذیربط و اهالی و بزرگان این شهر برگزار شد.

این مدرسه با اعتبار بیش از ۲۰ میلیارد ریال و با زیربنای آموزشی ۳۰۰ مترمربع در شهر سطر احداث خواهد شد.

سنقر و کلیایی با ۹۲ هزار نفر جمعیت در ۸۶ کیلومتری شمال شرق کرمانشاه واقع شده و دارای ۲۲۰ روستا در قالب هشت دهستان و ۲ بخش مرکزی و کلیایی است.

استان کرمانشاه با ۲ میلیون نفر جمعیت، نزدیک به ۳۳۵ هزار دانش آموز و ۲۶ هزار معلم دارد که در بیش از چهار هزار مدرسه تحصیل و تدریس می کنند.

مطالبات مردمی

ضرورت تخصیص آب از سد داریان پاوه

سهم اورامانات کجاست؟!

محمدآشنا عباس منش

کسی منکر و مخالف توسعه ی ملی و بهره برداری بهینه از منابع آبی و دیگر منابع ملی کشور نیست؛ به شرطی که توسعه مشروع، متوازن، همه جانبه و مستمر و پایدار باشد. شکی نیست که توسعه در عین اینکه جزئی لاینفک از زندگی امروزی شده است و ضرورتی انکارناپذیر است، تبعات و اثرات سوئی را (چه کوچک و چه بزرگ) بر محیط زندگی در جنبه های مختلف به جا می گذارد. مطمئناً جلوگیری از اثرات سوء با انجام ارزیابی های فنی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی پروژه ها دست یافتنی است که بایستی در همان مراحل اولیه کار یعنی در زمان مطالعات و طراحی ها از سوی متخصصین امر انجام پذیرد و اقدامات بعدی بر اساس این نتایج پی گیری گردد.

امروزه مهار آب به ویژه مهار آب های مرزی جزء راهبرد اصلی وزارت نیرو برای سرزمین خشک و گرم ایران است و کاملا منطقی نیز بنظر می رسد. پرواضح است در این فرآیند نمی توان رودخانه پرآب سیروان را نادیده گرفت؛ عده ای معتقد هستند که در آینده جنگ دولت ها و ملت ها بر سر آب خواهد بود، اما به نظر می رسد به صورت نه تنها پنهان بلکه آشکارا این مناقشات درحال شکل گیری است و آب محور منازعات و مناقشات بویژه در خاورمیانه خواهد بود.حتی در داخل کشور این مباحث نیز جزیی از مطالبات اساسی برخی از نمایندگان مجلس شده، هرچند معتقدم به مقوله آب نیز باید همچون نفت و گاز و سایر انرژی ها به دیده ملی نگریست نه منطقه ای البته با رعایت حق آبه استان هایمبدأ.انتظار می رود ابتدا نیازهای آبی مردم منطقه و استان از محل سدهای در دست احداث در هر استانی چه کرمانشاه چه کردستان و یا استانی دیگر تامین شود و سپس از مازاد آن برای جبران کم آبی سایر استان ها استفاده شود.

اگرچه دیر شده اما باید در راستای اخذ تخصیص آب برای منطقه اورامانات تلاش کرد . متاسفانه به دلیل تغیر اقلیم و کاهش بارندگی، میزان روان آب ها به شدت کاهش یافته و لزوم مهار آب های موجود و استفاده بهینه را گوشزد می کند. نمایندگان استان کرمانشاه و اختصاصا دکتر لهونی نماینده مردم اورامانات و مدیران بخش آب استان و چهار شهرستان منطقه اورامانات در تلاش برای اخذ تخصیص آب بیشتر از محل سد داریان باشند که این امر، چالش بی آبی منطقه را برای افق درازمدت مرتفع نماید.

اختصاص حداقل سالانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب از آب چشمه (شرب) و سد (کشاورزی وصنعت) در منطقه به منظور حفظ و توسعه ی باغات و سرسبزی شهرستان پاوه باید در احداث و انتقال آب به مناطق دیگر مورد توجه قرار گیرد.

با این تفاسیر اگر انتقال آب را در یک پروسه ی ملی ضروری بدانیم حداقل انتظاری که از متولیان امر می رود آن است که نیم نگاهی نیز به کمبود شدید آب شرب وکشاورزی مناطق شهری وروستایی شهرستان پاوه داشته باشند.

با این شرایط توجیه عقلی و منطقی مورد انتظار آن است که بخش ناچیزی از این سرمایه ی الهی در منطقه موجب رونق کسب و کار کشاورزان و کارگران این دیار گردد. از آورد سالیانه رودخانه سیروان و سد داریان با توان تنظیم بیش از یک میلیارد متر مکعب و انتقال حوزه به حوزه آب از طریق تونل بلند در منطقه اورامانات، آب مورد نیاز سامانه گرمسیری تامین می گردد.

لازم است سالیانه حداقل ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب از خروجی سد داریان برای مصارف شرب، کشاورزی و صنعت چهار شهرستان حوزه اورامانات تخصیص داده شود، که شهرستان های پاوه، جوانرود و روانسر در یک مسیر انتقال قرار گرفته اند.

در کنار حجم عظیم سرمایه گذاری ملی برای انتقال آب و تولید برق سراسری از پتانسیل آبی منطقه رفع مشکل بی آبی منطقه توقع زیادی محسوب نمی گردد که علیرغم بارش سالانه بیش از ۷۵۰ میلیمتر در منطقه، وجود چشمه های پر آب و روان آب های با دبی بالا، به دلیل عدم توجه کافی مقامات وزارت نیرو ، اکنون کلیه شهرستان های پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی در تامین آب شرب، کشاورزی و صنعت دچار بحران شده اند.

منطقه اورامانات بسترمناسبی جهت باغداری وکشاورزی دارد و اگر با یک طرح علمی و جامع آب کافی به این حوزه اختصاص یابد و طرح جامع دبی آب چهار شهرستان اورامانات را پوشش دهد، اولین ثمره این کار ایجاد اشتغال و محرومیت زدایی می باشد

در شرایط فعلی، مهمترین تصمیمات در عرصه سیاست داخلی کشور چیست؟

امیدواریم که شرایط این گونه نماند

دکتر علی‌محمد رشیدی

این یک پرسش اساسی است: در شرایط فعلی، مهمترین تصمیمات در عرصه سیاست داخلی کشور چیست؟ قبل از هر چیز لازم است به این مهم توجه شود که در دنیای امروز، نمی توان اتخاذ تصمیم در عرصه داخلی را از تصمیم‌های اخذ شده در عرصه روابط بین الملل منفک کرد چرا که عینیت بخشیدن به بخش زیادی از تصمیات درون کشوری نیازمند پشتیبانی‌های مالی و تجهیزاتی و حتی علم ودانشی است که بستر آنها به ناچار باید از مجرای ارتباطات بین المللی فراهم گردد.

بنابراین مهمترین تصمیمی که قطعا بر دیگر تصمیمات داخلی اثرگذار خواهد بود، اتخاذ تصمیم‌های شجاعانه برای داشتن روابط تعریف شده عزت‌مند با دنیای پیرامونی بخصوص با سرچشمه‌های قدرت اقتصادی و علمی وفنی در دنیای امروز و کاهش سطح تنش‌ها در این حوزه است، به گونه‌ای که نه تنها کشور در محظورات بین المللی قرار نگیرد، بلکه امکان بهره‌مندی از سرمایه گذاری‌های بین المللی و همکاری جهانی در عرصه های علمی و تجاری و تبادلات لازم در این عرصه‌ها را همانند اکثر کشورهای دیگر داشته باشد.

تا زمانی که کشور در عرصه بین الملل فاقد راهبرد تعریف شده معقولی و دچار تشت آرا در این زمینه بوده و با این موضوع به صورت شعاری و یا آرمانی صرف برخورد نماید، نمی‌توان خیلی به بهبود وضعیت کشور با اجرای سیاست های داخلی امیدوار بود.

در هر عرصه‌ای از جمله سیاست داخلی کشور، تصمیم سازی و تصمیم گیری می‌تواند معطوف به چند سطح باشد که عبارتند از کندسازی روند تنزل موقعیت، حفظ و تثبیت وضعیت موجود، توسعه و ارتقا سطح فعلی و قابلیت اجرائی در عمل.

کشور در برخی حوزه‌ها در عرصه سیاست داخلی با شرایط تنزلی روبرو است از جمله اشتغال نسل جوان، توان اقتصادی و شرایط معیشتی مردم، ارتباط و اعتماد متقابل ملت-نخبگان(اعم از نخبگان دارای منصب حکومتی و نخبگان منتقد نحوه حکمرانی کنونی)، سلامتی مردم، مسکن و مسائل محیط زیستی که خود گستره وسیعی را در بر می گیرد.

بنابراین باید اولین تصمیم‌ها فارغ از هیاهوها و شعارها وجار وجنجال‌ها و بر مبنای واقعیات و توان موجود در کشور، معطوف به این موارد باشد. متوقف نمودن این روندهای تنزلی میسر نیست مگر اینکه نهاد قدرت قاطعانه تصمیم به منسجم سازی فعالیت‌ها و تیم کاری و حذف نهادها و کانون‌های متعدد تصمیم گیر وتصمیم‌ساز گرفته و از تجارب جهانی در این عرصه‌ها خود را محروم نسازد.

این واقعیت را باید پذیرفت که تا زمانی که تحریم‌های ظالمانه بین المللی رفع نشوند یا راه حل مناسب و کم هزینه‌ای برای دور زدن آنها یافت نگردد، تاثیرات منفی این تحریم‌ها همچنان بر بخش زیادی از تصمیم‌ها و فعالیت‌های داخلی سایه خواهد انداخت و بخش‌های مهمی از واحدهای تولیدی عظیم نفت وگاز و معادن، کشاورزی و دیگر واحدهای تولیدی و حتی بخش دارو و درمان ما با مشکلات ارزی و تهیه مواد اولیه دست و پنجه نرم خواهند نمود و بنادر کشور همچنان با حداقل ها فعالیت خواهند نمود.

هرچند معطل ماندن بخشی از ظرفیت‌های فراوان کشور از بی‌تدبیری‌ها، سوء مدیریت‌ها، عدم انسجام فکری و انشقاق بین سطوح مختلف مدیریتی در ادوار مختلف نشأت گرفته، اما حتی با کاملاً هماهنگ شدن همه اجزاء حکومت و بر صدر نشستن انسان‌های کاملاً پاکدست، بدون چاره‌اندیشی برای برخورداری از دستاوردها و توانمندی‌های بین المللی، همچنان بخشی از این ظرفیت ها خالی و بخشی از واحدهای تولیدی و تجاری در رکود باقی خواهند ماند و به تبع آن چرخ زندگی مردم به کندی خواهد چرخید و معضل بیکاری جوانان همچنان پابرجا خواهد ماند. امید آنکه در سایه درایت و جسارت دولتمردان شرایط اینگونه نماند و شاهد آینده ای روشن در این مملکت برای ملک و ملک باشیم.

نامه سرگشاده به رئیس سازمان صداوسیما و درخواست برای کمک به معالجه یکی از کارکنان صداوسیمای کرمانشاه

رسول مرادی کارشناس و فعال رسانه

آقای دکتر جبلی رئیس جدید سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران پس از سلام و تبریک انتخاب شما بعنوان رئیس جدید این سازمان بسیار مهم و اثرگذار و آرزوی موفقیت برای شما، چند نکته و درخواست را به اختصار به استحضار می رسانم.

با توجه به سوابق کاری، تعهد و کارنامه قابل توجه شما بعنوان خدمتگزار فرهنگی انقلاب اسلامی، همه مردم ایران و ایران دوستان انتظار دارند تا رسانه ملی را به معنای حقیقی کلمه به رسانه ملی و در شان کشور و مردم بزرگ ایران تبدیل کرده و در راستای ایجاد تحول در صداوسیما و دستیابی به افق ترسیم شده به وظیفه خود عمل کنید.

چابک سازی پیکر چاق، تنبل و پردرد سازمان / بکارگیری و میدان دادن به نیروهای متعهد و متخصص / کنار زدن نیروهای ضعیف، پرادعا و خسارت بار از مسئولیت مهم سازمان (که سالهاست بر این جایگاهها چنبره زده اند) / تولید آثار فاخر برای همه سلیقه ها /برنامه ریزی مناسب و دقیق / توجه ویژه به مطالبات قشرهای مختلف جامعه و پیگیری جدی آن /انتقال و انعکاس مطلوب فرهنگ اسلامی و ایرانی / پرهیز از روزمره گی و عملکرد انفعالی و ... بخشی از اقدام های اساسی است که حتما و با دقت و سرعت در صداوسیما صورت گیرد.

از سوی دیگر انتظار می رود برخلاف روسای قبلی سازمان، که بارها شعار توخالی ساماندهی نیروهای حق الزحمه ای سازمان را دادند و در عمل کاری نکردند ساماندهی این افراد بصورت جدی و فوری در دستور کار رئیس جدید سازمان صداوسیما قرار گیرد.

بخش بسیار فراوان و چشمگیر کار در صداوسیما (که بسیار سخت و حساس است) بر عهده نیروهای حق الزحمه ایست که با دریافتی ماهانه بسیار اندک آنهم بدون بیمه و مزایای دیگر عمر و جوانی خود را در انتظار وعده های سرخرمن، مدیران پیشین سازمان صرف کردند و بسیاری از این نیروهای خدوم و انقلابی زندگیشان از هم پاشیده شده است.

امروز یکی از این نیروهای در صداوسیمای مرکز کرمانشاه یعنی آقای میثم کهریزی که زندگی خود را صرف خدمت به رسانه ملی و مردم عزیز کرد دچار بیماری و مشل شدید کبدی شده و نیازمند پیوند فوری کبد است و با حالی وخیم روی تخت بیمارستان افتاده است.

میثم که جوانی خود را در صداوسیما هزینه کرد امروز قادر به تامین هزینه سنگین جراحی خود نیست و با مرگ دست و پنجه نرم می کند.

شاید اگر او بیمه بود و درآمد مناسبی داشت می توانست زودتر به معالجه خود بپردازد و کارش به اینجا نکشد.

قطعا مسئولانی که در ساماندهی شغلی میثم و میثم ها کوتاهی کرده اند و جان و زندگیشان به خطر افتاده، باید در برابر خداوند قهار و جبار پاسخ دهند.

حال فرصت گله گذاری نیست و از دکتر جبلی درخواست می کنم برای درمان این همکار که با مرگ گریبانگیر است کمک کند و از همه مردم خیر و شریف و مسئولان تقاضا می کنم برای نجات جان میثم و تامین هزینه سنگین درمان او به یاریش بشتابند و به رسم انصاف و ادب از تلاش مهندس امیری مدیرکل صداوسیمای کرمانشاه که پیگیر وضعیت اوست و همه کسانیکه دغدغه میثم را دارند تشکر کنم و امیدوارم که هم درد کبد میثم و درد بی سروسامانی شغلی او و همه حق الزحمه ای های صداوسیما درمان شود.

ویژه تاریخنامه

انتخابات مجلس شورای ملی در کرمانشاهان

عصر محمدرضاشاه پهلوی

دکتر شهرام اردشیریان

نقش خوانین عشایر (۱۶)

... برای اثبات این ادعا، تفکیک آراء آن مناطق این را اثبات می کند. در حوزه شاه آباد غرب [اسلام آباد غرب] که از مراکز ایل کلهر است، قبادیان با ۲۹۹۹ رای، نفر نخست بود و در منطقه ی کرند غرب با کسب ۱۹۹۸ رای، نفر سوم و در قصرشیرین با ۱۶۸۰ رای، نفر دوم بود. تبلیغات نیابتی در هرسین مثمر ثمر بود و قبادیان با کسب ۱۴۹۵ رای، نفر نخست فهرست انتخاب‌شدگان را به خود اختصاص داد و در کنگاور و سنقر و کلیایی رای قابل توجهی کسب نکرد.

بعد از کسب آراء و راه‌یابی قبادیان به مجلس، عده‌ای او را به قیام علیه حکومت ملی مشروطه متهم کردند. به استناد بند سیزده از ماده ۱۳ که دال بر محکومیت جنایی بود، تقاضای رد اعتبارنامه ی نمایندگی او را کردند.

هیات نظارت بر انتخابات، رسیدگی به این موضوع را در صلاحیت مجلس شورای ملی دانست و آن را به مجلس شورای ملی موکول نمود. پس از بررسی پرونده ی انتخاباتی قبادیان در شعبه سوم، صحت انتخابات و انتخاب قبادیان تایید شد و در صحن علنی مجلس، نظر شعبه ی سوم مورد تایید قرار گرفت.

عباس قبادیان در مجلس چهاردهم عضو فراکسیون دموکرات یا فراکسیون عشایر بود و آنان با فراکسیون میهن که وابستگی به انگلستان داشت ارتباط مناسبی داشتند. قبادیان، صولت قشقایی و محمد فرخ که توسط عشایر سیستان به نمایندگی انتخاب شده بودند، از رهبران فراکسیون دموکرات به شمار آمدند.

این خوانین و روسای عشایر به دنبال احیای قدرت سیاسی – اقتصادی خود بودند و درصدد جبران سیاست-های ضد عشایری رضاشاه برآمدند. در منابع بر نقش فلی چر در انتخاب نمایندگان دوره ی چهاردهم تاکید شده و ساسان خواجه نصیری با حمایت فلی چر انتخاب شد.

با توجه به نفوذ فلی چر در کرمانشاهان و دخالت های متعدد او در تمام امور استان، بدون تردید فلی چر در انتخابات و انتخاب نمایندگان نقش داشته است. چنان‌که ذکر شد، فلی چر نماینده ی نظامی انگلستان در کرمانشاهان مخالف کاندیداتوری کریم سنجابی بود و مانع شرکت او در انتخابات گردید.

فلی چر با شرکت قبادیان در انتخابات مجلس شورای ملی مخالفت نداشت، اما او به قبادیان اجازه ی فعالیت گسترده تبلیغی و انتخاباتی نداد و در راستای محدودیت ایجاد شده، عباس قبادیان ناچار شد که نزدیکانش به صورت نیابتی برایش تبلیغ نمایند.

مجلس چهاردهم در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ پایان یافت و تا افتتاح مجلس پانزدهم، در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۲۶ وقفه ی دو ساله ای به وجود آمد. احمد قوام ملقب به قوام السلطنه (۱۳۳۴ – ۱۲۵۲ خ) پس از به قدرت رسیدن و کسب مقام نخست وزیری، حزب دموکرات را تشکیل داد. قوام افرادی مانند: «خوانین بختیاری و قشقایی، قبادیان از ایل کلهر»، تعدادی ثروت‌مند و با نفوذ که از مخالفان حزب توده بودند را در مدیریت حزب دموکرات قرار داد.

در کتاب امیرمخصوص کلهر، برخلاف نظر آبراهامیان، در خصوص برخورد قوام السلطنه با قبادیان، اظهار داشته که او در مرکز سیاسی کشور مشغول برنامه‌ریزی برای کاندیداتوری دوره ی پانزدهم بود که قوام دستور دستگیری سید ضیاالدین طباطبایی، طاهری و عباس قبادیان را صادر کرد.

به نظر می رسد که قوام قصد داشته است که قبادیان را تحت فشار روحی روانی و سیاسی قرار دهد تا تمایل به حزب دموکرات پیدا کند و در فهرست انتخاباتی آن حزب قرار بگیرد تا در مجلس از حمایت این نیروی متنفذ برخوردار باشد....

ادامه دارد.

دەروەچ

دارەجەنگە و کوومڵگەی ئەمڕووژ

● فردەوس هاشمی

کوومە چیرووک کوردی دارەجەنگە لە مەسعوود قەنبەری، چاپ کریای ساڵ ١٣٩٩ لە چاپەمەنی باشوورە. ئێ کوومە چیرووکە دوانزە چیرووک لە ناو خوەیێ دێرێ ک وەڕەوایەتگەری بەهێز و ڕەنگینێگەو وەردەنگ نیشنێدە پای قسەی خوەیێ. تایبەتمەندی دڵبقرچێ ک لە ئێ کوومە چیرووکە فرە پڕەنگ وە چەو تیەیێ، بابەتەیل کوومڵایەتی گرنگ کوومڵگەی ئەمڕووژن. ئڕای نموونە، کورتە چیرووکەیل "بەردەنگ"، "پشی، گەماڵ، ئایەم"، "جنازە"، "گوڵ فرووش"، "مەخش" و... هەرکە دەس نانە لە بان مژار گرنگێگ لە گیچەڵەیل کوومڵگەی ئەمڕووژ جوور تەنیایی، نادادگەری، فساد ئابووری، گیچەڵ ئابووری و... ؛ لە ئێ نۆسمانە کورتە چیرووک "گوڵ فرووش" باس کریەیێ؛ چیرووک مناڵەیلێ ک تۆش گیچەڵ ئابووری کوومڵگەی ئەمڕووژ هاتنە و لە کوومڵگەی خوەمان کەمیش نیێن و هەر ڕووژ پەسای فرەترەو بوون.

وە وتەی سوومرز و گیبسون، دنیای کوومڵایەتی خوەیێ یەی جوور داستانە؛ وە ئێ مانا ک داستانەیل و چیرووکەیل دەور دانەسەلیمان و هایمنە ناوڕاسێان.

جارجارێگ هەر ئێ هەڵکەفتەیل ڕووژانە ک هەرکام ئڕا خوەیێان چیرووکێگن، تۆەنن یەی سەرچاوەی کوومڵایەتی و کەلتووری بوون تاگەر خەڵک لە ڕێ ئێ چیرووکەیلەو دنیای دەور وەر خوەیێان بناسن و لەلێ سەر درارن؛ چیرووکەیلێ ک وەگەرد جهان هەر ڕووژانەی خەڵکەو پەیوەندی دێرن. هەڵکەفتەیل و چیرووکەیلێ ک لە جهان نۆسەر و وەردەنگ هەبۆنێان هەس.

دیسان، چیرووک "گوڵ فرووش" توایێ هەست و هاودەردی وەردەنگ بوەیێ وەرەو مناڵەیلێ ک لە جهان ئەمڕووژ ئڕا وەردەنگ دیاری و ناسیاێن.

وە وتەی ڕیکور، ئەدیب ناسیاگ فەرانسەوی، داستانەیل تەنیا لە ئلمانەیل ناو خوەیێان و بەشەیل خوەیێان دروسەو نیەون، بەڵکوو لە گەردش و جەریان پەیوەندیەیل بەین داستان، نۆسەر و وەردەنگ و ئێکەش لە ناوەڕووک چوارچوەیل وڵاتی دروس و یەکپارەوا بوون.

هەر ئەو جووەر ک ڕیکور ئۆشێ، شڕووڤەی هەڵکەفتەیل دۆاین، دەسکەفت هەڵکەفتەیل سەرەتایی داستانە؛ هەم نۆسەر و هەمیش وەردەنگ لە ئێ پڕۆسەی پەیوەندیە دەس دێرن و ئێ دەس داشتنە لە ڕێ هاوبەشی کەلتووریەو ئەنجام گرێ.

گاهەس چیرووک دۆەت گوڵ فرووش بابەت تازەیێک نەو؛ یە وە ئێ مدووە بۆە ک نیە تۆەنیمن داستانێگ ڕەوایەت بکەیمن ک هۆچ سەرچاوەی نێاشتوودن و دەوێ لە سەرچاوەیلێ بوون ک دەسڕەسی وەپێان داشتیمنە؛ ئەمان، جووراجووری و جیاوازی لە شێوەی ساز کردن چیرووکەگە ڕیشگ لە نووڕگەیل جووراجوور و جیاواز دێرێ.

هونەر نۆسەر لە ئێ چیرووکە هەست هاودەردیمان هێژنێ و دەسمیەتمان دەیێ بتۆەنیمن وەگەرد کەسەیلێگا هاوزات پنداری بکەیمن ک گاهەس شێوەی ژیانێان لە ئیمە جیاواز بوودن ئەمان ژیان دەرۆنیێان جوور ئیمەس. مەسعوود قەنبەری لە چیرووک گوڵ فرووش، لە جیاتی یە ک وە ئیمە بۆشێ چەنێ ژیان یەی دۆەت گوڵفرووش دژوارە، وەپێمان ئۆشێ، ئەر دۆەت خوەدان بوودن و ئێجوور ژیانێگ داشتوودن یاگەر لە ئێجوور هەڵوومەرجەێگ بوودن پێدان خوەشە چۆن وەگەردیا ڕەفتار بوو یاگەر چۆن وەپێ بنووڕن.

تۆەنیمن بۆشیمن کارێگ جوور چارلز دیکنز، کارێ کردێە وەردەنگ لە ئایەمەیلێ ک هانە ڕەنج و وە دژواری ژیەن خوەشێ باێدن، دیسان، خوەشێ باێ لە ڕەنجێانیش هاوبەش بوودن، لە خوەشی خوەیێ هاوبەشێان بکەیێ و وەگەردیانا هاوزات پنداری بکەیێ. ڕاوی کتاوێگ دەیگە دۆەت گوڵ فرووش ک ئڕا ڕووژانو سەنێە؛ ڕووژانو تۆەنیێ دۆەت خوەیێ بوودن یاگەر کەسێ تەرەک وە هەر حاڵ لە نزیکەیلێە و لە ئێرە دۆز دیاریشەو نەکریاێە. دۆایێ ئێ کارە، ئێ ڕەستە تیەیێ:

"دۆەت بوود وە ڕووژانو...!" یانێ نۆسەر دی لە وەردەنگ نیەتوایێ جوور دۆەت خوەیێ وە دۆەت گوڵفرووش بنووڕێ، بەڵکوو ئۆشێ هەر خوەێە و لە خوارتر دۆنیم دی هەر وە ناو "ڕووژانو" ئاملاژە وە کەسایەتی گوڵ فرووش کەیێ: "ڕووژانو نووڕێد وەپیم. پا نەمە بان گاز و کەفمە ڕێیا... یەیێهەو ڕووژانو چڕێد..."

لە ئێرە دۆنیمن نۆسەر وە هونەرمەندیەو دۆەت گوڵفرووش نەیێ لە جی عەزیزێگ لە خوەیێ تاگەر وەردەنگ کەسێ ک ئڕایێ عەزیزە وە شێوەی ئێ دۆەتە بۆنێ و وەگەردیا هاودەرد بوودن و وە نووڕگەیێ ڕەنگینترێگەو وە گوڵ فروشەیل و گشت مناڵەیل کار بنووڕێ. کتاوێ ک ڕاوی ئڕا ڕووژانو سەنێە و پێشکەشێ کەیێ وە دۆەت گوڵ فرووش، داستان "دۆەتڵەیێ کرمیت فرووش" ـە. نۆسەر لە داستان "دۆەتڵەیێ کرمیت فرووش" کەڵک گرێ تا زەێن وەردەنگ بوەیێ وەرەو ئاکام تیەڵ مناڵەیل کار.

چشتێ ک لە ڕاسیەت لە کوومڵگەی ئەمڕووژ دۆنیمن یەسە فرە لەلیمان مناڵەیل کار وەگەرد تاسووکەرەیلا هاوتا زانیمن، ئەمان لێوا نییە و مەسعوود قەنبەری لە ئێ چیرووکە لە دۆەت گوڵ فرووش یەی کەسایەتیێگ سازیێ ک ئێ تایبەتمەندیە وە وەردەنگ نیشان بێەیێ، هەنای کتاوەگە پێشکەش کەیێ وە دۆەت گوڵ فرووش، ئەویش پۆل گوڵەگان دەیدەو و پۆل لەلێ نیەسینێ:

"ـ عەموو تو کتاو دایدەسەپیم... منیش پۆل گوڵەگە نیەوەم..."

لە ئاخر چیرووکەگە ئەوقەرە ئێ دۆەت گوڵ فرووشە وەگەرد مناڵەگەی خوەڕا هاوتا زانێ و دڵنگرانێ بوو ک ئۆشێ "خوەزیەو لە جی دۆەتڵەیێ کرمیت فرووش کتاو تەرەک بۆاد".

وە ئێ ڕەستە دو کار کەیێ؛ هەم دڵنگرانی خوەیێ خاس نیشان وەردەنگ دەیێ، لە کاریگەری ئێ داستانە لە سەر هەست و نووڕگەی دۆەت گوڵ فرووش، ک دی دۆەت خوەێە، ترسێ و هەمیش یەی شوکێگ دەیێ لە وەردەنگ و بەیدەیێ فکرەو ک ئەر هۆردار مناڵەیل کار نەۆمن هاتێ ئاکامێان جوور دۆەتڵەی کرمیت فرووش بوودن...

چۆ تۆیەنیمن گامەیلێگ وەرەو نووا هێز بێیەیمن؟

فەرهەنگ و ئابووری دەلیلان پێشکەفتن

● مازیار نەزەربیگی

لە ناوەڕووک ئەوزێنە (تەوسەعە) تۆەنیم بڕەسیمنە دوان مژار، یەکێگ چۆنیەتی پێشکەفتن یەی کوومەڵگاس و دوێم چۆنیەتی دۆاکەفتن یەی کوومەڵگاس، گ هەر دو یانە لە یەی سەرچەوە ڕێداگرن. تەنیا جیاوازی لە شێوەی دامەزرانن و ڕۆەڕۆ بۆن وەل ئێ سەرچەوەسە گ بوودنە مدوو یەگ ئێ سەرچەوە لە ناو دوان ڕێداگرتن (جەریان) جیا لە یەک، ڕۆبەنای خوەی بۆنێدەو گ تەنانەت زێز وە یەک پەسای چن، و ئێ شێوە هەر ئەو چۆنیەتی ئافراندن پەیوەندیەسە گ دۆای شاروەندی و ژیان کوومەڵایەتی وە دی هاتێیە «دەوڵەت (رزارەیل سیستماتیک فەرهەنگی و ئابووری ئەوڕێبەر) - بیرەوەر (سیستمەیل سەربەخوەی فکری و فەلسەفی) - مەردم (کوومەڵگا)».

ئێسە لە ناو ئێ وتارە توایم بنووڕیمنە چۆنیەتی ئێ پەیوەندیە تا بڕەسیمنەو، مدووەیل پێش نەکەفتن و لە دۆا مەنن «پارێزگەی کرماشان»، وە تایبەت لە پەل فەرهەنگی و ئابووری، لە بان چ هێڵێگ دامەزریاس و ئەڕای کوو پەسای چوود.

هەنای نووڕیمنە مێژوو پارێزگەی کرماشان، یەکێگ لە پڕهازترین بەرەیل مێژوویی، بەرەی فئودالیسمە. لە ئێ بەرە ئیمە تەنیا تەتیەیمنە یەی پەیوەندی فرە قۆل لە ناوێن خان و مەردم. ئێ بەرە بۆەسە مدوو ئافراندن یەی شێوەی فەرهەنگی فرە پڕهاز گ تۆەنیم بۆشیم وە شێوەی سیستماتیک هێمانیش هەسێ تەنیا ناو و نۆنێ گۆەڕیاس، یانێ دڵنگ مرۆڤەگان و دەفتەر دەستەکێیان گۆەڕیاس، ئەمان ناوەڕووک هەر ئەوەسە. لە ناو ئێ سیستمە سێ هەڵکەفت سەرتر دیریم گ دەرەقەت فرەیگ دێرن ئەڕای نوا گرتن لە پێشکەفتن و گۆەڕیان کوومەڵگا، یەکێگ یەسە گ مەردم بایەس لە بان یەی هێڵ دیاری ڕێ بکەن گ خان دیاری کردێیە، دوێم یەسە گ خان لە هەرکە خوەشێ باێد تیەیەڕێدەیێ لای خوەی و بووەدە ژێردەسێ، گ زۆرم ئێ کەسەیلە یا خزم و کەس و کار خوەین، یا هانە ژێر چەتر فکری ئەۆ، و سێیم یەسە گ بیرەوەرەیل لە ناو ئێ شێوە پەخشپڵاوە بوون و هەرکام ئەڕای خوەیان بوونە یەی ئووارە (وە بەشێگ لە زەۆ ئۆشن گ کەفێدەو بان بەرزی و ئاو وەپێ نیەڕەسێد) گ نەتۆەنن قازاشتێگ ئەڕای کوومەڵگا داشتوون.

«ئێمانوئڵ والرشتەێن» بیرەوەر و کوومەڵگاناس ئامریکایی لە ئێ باوەتە ئۆشێد، سیستمێ گ دۆای یەی گۆەڕیان گەورا لە ناو یەی نیشتمان وە دی تیەێد، وە مدوو یەگ چرچ هالە گیانێ گ «نەگوای خوەمیش تۆش لە یەک داچەکیان بام»، لە دریژەی دەسەڵاتداری خوەی، یەی بڕ لە تایبەتمەنیەیل هەر ئەو رزار (فەرهەنگی و فەلسەفی) وەرجە خوەیە هیلێدەو، یا لەنوو تیەڕێدانەو، ئەڵبەت گ وە سازەیل نوو. ئێکەش وەرە وەرە لە ناو تەنیایی خوەی چۆزە دەێد، خوەشێ تیەێد هەرچێ گ هەس لە خوەی بوود، هەیتاهەیت گەپ لە سەربەخوەیی دەێد، گەپ لە دەسکردەیل خوەی دەێد، تەنانەت ئەگەر فرە بێ هاز بوود، چۆن پەیوەندی خوەی وەل دنیا بڕێدەو، و کارێگ کەێد مەردم وە مدوو هەوەجە داشتن بانە شوون ئەو دەسکردەیل کەم هازە.

والرشتەێن ئۆشێد گ وەرە وەرە ئەو رزارە بوودە یەی نئوفئودالڵ گ گشت چشت ئەڕای خوەی هیز داس و گشت چشت ئەڕای خوەی تواێد.

ئێسە هەنای نووڕیمنە هاڵ و رووژ پارێزگەی کرماشان دۆنیمن گ فەرهەنگ نئوفئودالیسم (ئەڕای یەگ لە دڵنگ و وتاخ کار جیاوازن!) هێمان پڕهازە، وە مدوو یەگ ئێ سێ هەڵکەفتە گ ناو هاوردیمن و ئێ پرووسە گ والرشتەێن وە خاسی لە سەرێ گەپ داس، زتەو بۆنە و ئەڕای هەرکەسێ گ کەمێگ هووش داشتوود و بنیشێد و ساتێگ فکرەو بکەێد دیاریەو بوود. ئەمان ئەڕا هێمان ئێ فەرهەنگە هەسێ و بۆەسە مدوو یەگ ئیمە نەتۆەنیم پێش بچیمن، خوەی یەی پرسیار ترەکە.

مدوو سەرەکی، شێوەی دەسەڵاتداریە، هەر ئەورامیاری سیستماتیک و فرە پڕهازەسە گ پەسای لەنوو دەرەقەت دەێدە ئەێ فەرهەنگە گ تۆەنێد یەی سیستم فکری لە ناو دڵ خوەی گەوراوە بکەێد. شێوەیلێگ ئەڕای ئێ کارە دێرێد، یەکێگ لەلێیان کەڵک گرتن لە کەسەیلێگە گ بان و ئاژاوەێگ بخەنە ناو بیرەوەرەیل، کەسەیلێ گ خوەیان وە خاوەن فکر زانن ئەمان دۆز هانە خزمەت رامیاری سیستماتیک.

کار یانە یەسە گ فکر مەردم وەرەو ڕێز گرتن لە فئودالیسم (بێ یەگ ناوێگ لەلێ بارن) بچوود و بۆشن یە راسیەت و بنەچەک ئیمەس نە هۆچ چشت ترەک، هەرکە زێز وە یە بوود سە زێز وە فەرهەنگ ئیمەس و هزار جوور درووەن تا ئەو بیرەوەرە واز بارێد و بۆشێد «هەر وێڵم بکەن». کار ترەک یەسە گ لە هەست نوستالژیایی مەردم کەڵک بگرن، وە دامەزرانن چەنان چەرداخ و مەشکە و جامێگ دوو خەریک مەردم بکەن لە دەور ئێ گەپەیلە و هەنای مەردم لە تاو دووەگەو لە پای مەشکەگە خەوێیان بردەو، بۆشن بایەس هۆردان وە هێرش فەرهەنگی دژمەن بوود، و دژمەن کیە، دیار نییە! یەی دژمەن خەیاڵی گ خوەیان ئەرای خوەیان سازینەسەیێ. یانە تیەن فەرهەنگ مەردم لە ناو چەن لەت نۆسنێ و ئۆشن ئێ چەن لەتە گ نۆسایمنە و دیاریە تەنیا فەرهەنگ گەل کوردە، ئەودۆای هن ئۆە نییە، هن فارسە، هن ژاپۆنە، نە کورد! کورد تەنیا هەر ئەو چەرداخ و مەشکەسە، ئەگەر گەپ لە سیستم نووخواز بەیدن، ئەگەر گەپ لە ئەدەبیات نووخواز بەیدن، ئەگەر لە شوون ئافراندن فەرهەنگ نوو بوودن سە ئەوە کورد نییە، دژمەن کوردە، بێ ریشەس، شوونکار ئنگلیس و فەرانسەس! و ئێ جوور کەسەیلێگ خوەیان وە کورد راسگانی زانن، و هەیتاهەیت گەپ لە ریشە و بنچینە دەن و هەیتاهەیت ئێ قسیە دواژە کەن بێ یەگ بۆشن دۆز پەسای گەپ لە چوە دەن و هانە شوون چوە و پەسای ئەڕای کوو چن. یانە تا پای دێیان پڕ لە زۆخن، تا ناوشان هانە ناو یەی رامیاری پێس گ لە پێش گرتنە، و وەداخەوە کەسەیلێگیش لە نازانی خوەیان کەفنە شوون یانە.

مدوو سەرەکی، شێوەی دەسەڵاتداریە، هەر ئەورامیاری سیستماتیک و فرە پڕهازەسە گ پەسای لەنوو دەرەقەت دەێدە ئەێ فەرهەنگە گ تۆەنێد یەی سیستم فکری لە ناو دڵ خوەی گەوراوە بکەێد.

دیاریە گ ئێ شێوە تۆەنێد چ خسارێگ وە یەی کوومەڵگا بڕەسنێد، فەرهەنگ یەی پەل سەرەکی و دەلیلەی پێشکەفتن یەی کوومەڵگاس، ئەمان ئەگەر فەرهەنگ نەخوەشێگ بوود گ پەسای لە بانەو پڕهازێیەو کەن، بوودە یەی ئەوڕێبەر نەزان، یەی ئەوڕێبەر گ کەفێدەو نوای کوومەڵەگای خوەی تا وەرەو دۆا زوور بکەێد! فەرهەنگ نەخوەش، ئەو پەیوەندیە گ لە سەرەتا وەتم لە یەک داچەکنێد چۆن دەوڵەت هالە شوون رامیاری خوەی و هەر یە بۆەسە مدوو یەگ بیرەوەرەیل لە یەک داچەکیەن، چۆن هەر کام توان لە ڕۆ هێڵ فکری خوەیان بچنە جەنگ، و چۆن تەنیان، کار فرەیگ لە پێش نیەوەن. ئێکەش تیەن و یەی پەیوندی نوو ئەڕای خوەیان هەڵدەن گ زێز وە مکانیسم سەرەکیە، تەنیا یەی تیاتە.

سە یەکێگ لە کارەیلێ گ بیرەوەرەیل ئەڕای ڕۆەڕۆ بۆن وەل ئێ مکانیسمە لە ناو کوومەڵگا تۆەنن بکەن، دامەزرانن یەی بنەما یا نەهاد دیاری و ریک و پیکە گ هەیتاهەیت بچووده داواکاری، هەیتاهەیت باێدەو دەنگ، هەیتاهەیت خوازیار بوود؛ گ تۆەنن ئەڕای ئێ کارە لە میدیایل دەسمیەت بگرن، هەرسەیێ کار دژوارە، ئەمان بایەس هەر لە سەرەتایا دەس وەپێ بوون، هۆردە هۆردە ئەڕای ڕێفورم بکووشن.

کولبڕ بۆشم، رامیاری سیستماتیک پەسای مەردم لە بان هێڵ نووستالژیایی گلەو دەێد، و ئێ هێڵە نووستالژیاییە لە دو چۆزمان دەرهاتێیە، ١) لە لایەن دەرۆنی؛ وە مەردم ئۆشێد یەک ترەکی باوەڕ نەکەن، هەرکە ها فکر خوەی سە تنیش وە فکر خوەد بوو، وەل هەرکە گ لەوای خوەدە، دەسە و جەرخە بنەرەو، تەنیا وەل هاوڕەنگ خوەدا کار بکە، لە دەور خزم و بنەماڵەی خوەد بوو، تەنیا ئەوانە گ هاوئائین و هاوڕەنگ خوەدن بناس. سە لەێرە ئیمە تەتیەیمنە یەی سیستم زۆنە لە دا هزار ساڵ پێش گ لە ڕۆ هێڵ دژمەن‌خوازین پەسای پێش چوود، سە دیاریە گ دەرۆن یارەوان ئێ جوور کوومەڵگایگ چۆنە. ٢) لە لایەن کوومەڵایەتی، هەنای مەردم یەک باوەڕ نەکەن (وە یەک ئێتماد نێیاشتوون)، دیاریە لە یەک داچەکیەن، هەنای وە یە باوەڕ نێیاشتوون گ گرنگ نییە ئەو کەسایەتیە کوردە یا فارسە، گرنگ نییە ئائینێ چوەس، ئەگەر کارێ خاسە، ئەگەر زاناس، ئەگەر لە ناو کار خوەی کارامەس، تۆەنێد ئەو کارە بگرێدەو دەس و پێش بچوود و ئەو کەسیشە ئەگەر بوودە یەی بەرپرس دی نیەتێد تەنیا کەسەیلێ گ هاو تیرە و هاو ئائین خوەیە لە دەور خوەی کووەو بکەێد.

کەسەیلێ گ هاتێ هەر هۆچ لە ئەو کارە نەزانن. سە دیاریە کوومەڵگایگ گ پەسای لە ڕۆ هاوڕەنگ بۆن پێش چوود وە چ ئاکامێگ رەسێد، وە تایبەت کوومەڵگایلێ گ پەسای وە زوور هاوڕەنگێیان کەن!

ئێ هاوڕەنگ کردنە وە شێوەی ڕێداگرتن نووستالژیاییە وە دەسمیەت کەسانێگە گ خوەیان وە بیرەوەر زانن، پێش بەیدن و چۆن ئێ رامیاری سیستماتیکە فرە دەسەڵات دێرێد، بیرەوەرەگانێ فرەتر وە مەردم نزیکن، سە ئەڕای خوەی یەی پەیوەندی درووکانی هەڵداس و یە هەر ئەو سەرچەوەی هاوبەشەسە، گ ئۆشن «بنووڕن، سەرچەوەگە یەکێگە و ئیمەیش پەسای پێش چیمن!»، ئەمان راسەگەێ یەسە گ تەنیا یەی نەمایشە، ئیمە هێمان هایمنە سەردەم فئودالیسم و بیرەوەرەیل بایەس بکووشن ئەڕای هۆرد کردن ئێ فەرهەنگە، وە گشت هازێ گ دێرن.

ئێسە پەیوەندی ئێ جوور فەرهەنگێگ وەل ئابووری چوەس؟ ئەڕا ئابووری پارێزگەی کرماشان ئەقەرە کەم هازە و هەمیشە هالە ناوێن پارێزگەیل دۆامەنێ!

لە سەردەم ئیمە، مژار فەرهەنگ و ئابووری لە یەک جیا نیێن، هەنای گەپ لە فەرهەنگ دەیمن، بەشێگ لەلێ هەر ئابووریە، و هەنای گەپ لە ئابووری دەیم، بنچینەی لە فەرهەنگ تیەید، یانە لووایلوو وەل یەکا بافیانە و جیا لە یەک نیین. هەنای فەرهەنگ یەی پارێزگە وەرەو نئوفئودالیسم چێیە سە دیاریە گ ئابووری کرماشانیش وەرەو هەر ئێ سیستم فەرهەنگیە چێیە.

لە سەردەم فئودالیسم یەی زەمین دار هاتێیە و وە مەردم وەتێیە گ «یەزەۆ منە، ئەمان من تەنیا نووڕم، بان لە بانێ کار بکەن، ئەگەر دا گونی گەنم دەرهاوردین، نوو گونی بەنە من، یەی گونی خوەدان بووەن». ئێ هەڵکەفتە بوودنە مدوو یەگ زەمین دار گورز و وافووڕێگ بنەێدە وەر دەس و مەردمیش لە ناوزەۆگان گیان بکەنن، دۆاخریش هەر ئەوقەرە گ لە ورسێ نەمرن گیرێیان تیەێد، زەمین داریش رووژ وە رووژ ملێ قەۆترەو بوود. ئەگەر کەسێگ هاوار بکەێد، جار یەکم زەۆگە لەلێ سێنن و دەنێ وە یەک ترەک، ئەگەر دریژە بەێد، چاڵێگ ئەڕای کەنن. ئەمان دی مکانیسم ئابووری نیە گۆەڕیەێد، زەمین دار ئەڕا بایەس وە فکر شێوەی ترەک بوود؟ ئەڕا بازیەگە بشێونێد؟ چۆن زانێد ئەگەر وە ئێ شێوە دریژە نەێد خوەیش بایەس باێدە پای کار، لەلێ کار توان، بایەس زامەت بکیشێد، بایەس گیان بکەنێد؛ ئەمان کەسێ گ یەی جار وافووڕ بگرێدە دەس دی دژوارە لەلێ دڵ بکەنێد. مەردمیش وە دەس پەتی چوە بکەن، نیە تۆەنن کوچگ بخوەن و ئێکەش زەڕ بەنەو دەیشت!

وە داخەوە لە پارێزگەی کرماشانیش هێمان هەر ئێ فەرهەنگ مێژوویە دریژە دێرێد، هەرکە هاوار کردێیە ئێسە هالە کوڵەسۆکێگ، نان ئەڕای نییە، هەرکەیش دەسێگ کوت و شەلوار دێرێد و خوەی جیەو کردێیە، ئەڕای خوەی بۆەسە کارەێگ، وە ئێ سیکڵە هەر پەسای دریژە پەیا کەێد. یەی دەس کوت و شەلوار سەنن و قوڕات دان لە ناو یەکەو گرتنەیل هەوەجە وە هووش فریگ نەیرێد، هەرکەسێگ تۆەنێد ئێ کارە بکەێد، چۆن هەر رووژ پەسای ئێ شێوە دۆنیمن، سە تەنیا تیات دەرهاوردنە، نە هووش.

پێشکەفتن ئابووری لە کرماشان هەوەجە وە یەی فەرهەنگ نووخواز دیرێد گ لە بەخت گەن ئیمە، زێز وە سەردەم قەدیم، وە دەس هاتن ئێ فەرهەنگیشە، تا ئاست فرە بانێگ، هەوەجە وە یەی سیستم لەوای دەوڵەت دێرێد، یەی دەوڵەت دڵسووز و کارا گ مەردم لە یەک جیاوە نەکەێد، ئەڕای هەرکەسێگ وە هەر باوەڕ و ئائینێگ، دەرفەت پێشچێن و بەرایەر داشتوود، و لەڵبەت گ لە عەمەڵ، کار بەرایەد، وە قسیە نییە، سە هات و تا سەد ساڵ تریش ئێ جوور دەوڵەتێگ «نە-»هات، چوە بایەس کرد؟

یەی بڕ باوەڕ دێرن گ هۆچ، بایەس بنەیمە کووڵێ و بۆمنە کووچەر، یەی بڕ ئەمان هانە شوون ڕێکار، و ئێ بڕە ئەڕای من فرە ڕێزدارن. ئێسە وەل خوەمانا فکر بکەیم و لە شوون ڕێکار بۆمن، چوە تۆەنیم بکەیم، چۆ تۆەنیم لە ناو ئێ سیستم فەرهەنگی پڕهازە گ گشت چشت گرتێیە لە وەر پێش بچیمن؟ پرسیار دژواریگە، ئەمان تێکووشم لە ژمارەی ترەک دەنگ ئازادی چەوێگ باریمنە مل ئێ ڕێکارەیلە.

رخنه

یادداشتی بر مجموعه شعر زەیتون و مەرجان

سروده فرهاد شاهمرادیان

مهدی آرمانی

فرهاد شاهمرادیان را سال هاست می شناسم؛ اوائل دهه هشتاد که عاشقانه هایش بر سر زبان بود و ترنم غزل هایش چون "کاغذ زر" دست به دست می شد، همان روزگار نه چندان دور که تکنولوژی گوشی های همراه در "بلوتوث" خلاصه می شد و شوریدگی های دو بیتی ها و غزل هایش، دهان به دهان می شد!

اهالی شعر و ادب " فرهاد" را بیشتر با تغزل می شناسند و چاپ مجموعه شعر "نوون عشق" نقطه عطفی در عاشقانه سرایی و گواهی بر این مدعاست.

شاهمرادیان شاعری است که به صنعت های ادبی و مهندسی کلمات و ارتباط لایه های پنهانی کلمات توجه دارد و به ظرایف ادبی وزایش های ذهنی که کلمات و عبارات شاعرانه می توانند داشته باشد دقت تمام دارد.

"زەیتون و مەرجان" مجموعه اشعار آئینی شاهمرادیان است که انتشارات زانا در سال ۹۹ در ۸۵ صفحه انتشار داده است. عنوان "زەیتون و مەرجان" عنوانی متناسب با محتوی کتاب و درون مایه اشعار است؛ "

شاعر با انتخاب دو واژه زەیتون و مەرجان به قدسی سازی ساحت شعر کمک می کند و ذهنیت مخاطب را آماده شنیدن اشعار آئینی کتاب می کند. زەیتون- میوه مقدسی- که به آن سوگند یاد شده است و مەرجان- گوهری ناب- که غلمان بهشتی به آن تشبیه شده است.

از زاویه ای دیگر و به استناد به اشارات شعری شاعر می توان ظهر عطشناک عاشورا را در ذهن به تصویر کشید و نوجوان شهید دشت عشق را در آن واقعه تجسم کرد.

شاعر در توصیف و روایت صحنه ها به مستندات چشم داشته و با مطالعه دقیق و مرور "مقتل ها " عنصر شناخت را به عاطفه آمیخته است و در ایجاد تشبیهات و تصویرهای ادبی از آیات و روایات بهره شاعرانه برده است

دوژمن نێەخوازێ بووگە دووس ئەر نەیژە واران کەێ چەمت
دڵ ئشکنێ، گیان وشکنێ، کافر بسەڵمان کەێ چەمت

شاعر در مطلع غزلی ویژگی منحصر به فرد علمدار کربلا- حضرت عباس- را با انتخاب عبارت "نەیژە واران کەێ چەمت" و ارتباط آن با نگاه نافد ایشان

با توجه به مستندات روایی این ویژگی را به تصویر می کشد

بێ وە ئجازەت خڕ نیەخوەێ نەیژەێ ک بالّت ئەڵکەنی
بێ وە ئشارەت دەر نیەچوو تیرێ ک نیشان کەێ چەمت

شاعر در این بیت با لحنی حماسی، شجاعت و دلاوری علمدار کربلا را می ستاید و در این صحنه " نەیژە" و "تیر" را در میدان جنگاوری به عجز وا می دارد

نە چەم نە دەس ها پەیکەرت، کەرواس خۆن ها دە وەرت
ساقی! چەمم نەزر چەمت، ساقی! سەرم ئەو جی سەرت

ترکیب ادبی " کەرواس خۆن" و انتخاب، واژه های " چەم" "دەس" "سەر" و ساقی روایتی است از وفاداری به یادماندنی در ذهن تاریخ و شاعر با با ابداعی شاعرانه" ساقی سەرم ئەو جی سەرت" بیت را به سرانجامی زیبا می رساند.

بچوو تو ئەو سەر دەسم، وە دەس م تو گێان بیە
یە مەنبرە، مەنارەسە، خوتبە بخوەن، ئەزان بێە

بیتی است که یادآور گلوی پاره علی اصغر است و شاعر با نگاهی تازه و انتخاب واژه ها ی، مەنبەر، مەنارە، خوتبە، روای " پیر طریقتی است که خود طفلی شش ماهه است". روایت شاعر مجموعه "زەیتون و مەرجان" روایت شکوهمندانه ای است از زبان شاعری که نگاه تازه ای دارد.

تا نەگلێ دە ڕۆزەمین، تو مێخ هەرد پا بکوت
تا نەرمێ وە ئاسمان، ستۆن وە هەرد شان بێە

باڵ تۆ ستۆن ئاسمان، پاێل تونە مێخ زەمین
بێ توزەمانم دەر وە دەر، بێ توزەمین وەیڵان دە خۆن

گوڵ دەس وە وەێ، گوڵ دەس وە شین، گوڵ شان دە قوڕ، گوڵ شان دە خۆن
داخ گوڵەیێل وا دە پەیێ، گوڵدان دڵ نیشان دە خۆن

و بیت های زیبای دیگر که گذشته از کارکرد ادبی از قابلیت های نوحه خوانی بر خوردارند.

وەێ ڕوو خومرئاوایێ خۆن دە ڕۆ شام خەریوان هاتگە
وەێ ڕوو شەوار شەڕ دە پەیێ، زڵمات زاکان هاتگە
یە شوڕ شوڕ ئەسر منە یا هشکە ساڵان چگ وە سەر
یە تک تک خۆن تونە یا نەرمە واران هاتگە

شاعر در یکی از مثنوی های زیبای خود با ابداعی تازه در تصویر سازی به ارزش ادبی بیت ها می افزاید.

دەسەیڵم ڕەحڵن، ئەسغەر قورئانە
چەمێ سوورەێ "نوور" دەمێ" لوقمانە"
نە کزەێ گری، نە شورەێ ئەسرە
گوونایێ قرمزێ سوورەێ " وەلعەسرە"
ئێ گوڵ نوو دەم، ئێ کوورپە لەیڵە
ڕۆێ "وە شەمسە" مۆیِ "وە لەیڵە"
لێوێ وە تیەنی، زگێ وە ورسی
بن ملەگەێ "ئایەتولکورسی"

و در شعر دیگر:

دە ئایات حەق، دە سوورەێ قورئان
نام تو "فەجرە" و "ڕەیتون" و "مەرجان"
ویرت کردگە قورئان کەریم
"وَ فَدیناهُ بِذبحٍ عظیم"

مجموعه "زەیتون و مەرجان" مجموعه ای از اشعار آیینی است که شاعر در پرداخت مضامین آیینی به شاعرانگی بیت ها عنایت داشته است و عنصر عاطفه را به عنصر شناخت و آگاهی از واقعه عاشورا آمیخته است و حرکتی نو در اشعار آیینی کردی است وظرفیت و قابلیتی تازه است که مرثیه خوان ها و مداحان می توانند استفاده کنند.

سینمایی

جذابیت پنهان بورژوازی

●مسعود محمدی

جذابیت پنهان بورژوازی نامی طعنه آمیز اســـــــت؛ مخاطب احتمالاً پس از دیدنِ این یکی از نامدارتـرین آثار تاریخ سـینما، به این نتیجه برسـد که فیلم در واقع مشـغول به نمایش گذاشتن مصـائب پنهان بورژوازی است و اساساً خبری از جذابیت نیست.

مضمون اثر بونوئل بزرگ چیزی نیست جز نقد و حتی به سخره گرفتن زیست سرمایه‌دارانه و بونوئل این مهم را بدون طفره رفتن پی می گیرد. به عنوان مثال در دقایق ابتدایی شاهد ورود چهار نفر به ملک یکی از دوستان سرمایه‌دارشان هســـتیم؛ دو مرد و دو زن – که یکی از مردها کاملاً مســـن است و دیگری در شرف ورود به سن و سال پیری؛ پر واضح است که پیوند پیرمردان با زن‌های جوانی که عموماً همسرشان هم نیستند، نشانهٔ بورژوا بودن محسوب می‌شود.

خانمِ صاحب خانه از دیدن کســـانی که خود به خانه دعوت کرده و احتمالاً مســـیر قابل توجهی را طی کرده‌اند شوکه می‌شود. چرا؟

چون به زعم او قرار بوده فردا شب دور هم جمع شـوند و بنوشـــند! مهمان‌ها از آنجایی که همانند ســـایر بورژواهای هم طبقه‌شـان بیش از حد درگیر احترامات بیخود و تشـریفات سطحی هسـتند، به خوبی می‌دانند دیگر نمی‌شود آن شب را در خانه مثلاً دوستشـــان سر کنند.

از همین رو صـاحب خانه را به رســـتورانی در همان حوالی دعوت می کنند، دعوتی که پذیرفته می‌شود! در رستوران پیش از سـفارش غذا و نوشـیدنی، هر کدام از این جمع پنج نفره در تلاش اســـت تا ذائقه خود را به گونه‌ای دارای کلاس جلوه داده و علایق معده‌اش را به شیوه‌ای بورژوایی توجیه کند.

نکته جالب توجه اما، شـنیدن صـدای گریه خانمی در گوشـه‌ای از رســـتوران اســـت؛ و نکته قابل تامل‌تر، واکنش بورژواها به جنازه همســـرِ مرده آن زن: آن‌ها نه تنها میلی به تســـلی دادن به زنِ بیوه شده ندارند، بلکه برای فرار از واقعیتِ مرگ، همگَی رستوران را پیش از غذا خوردن ترک می کنند!

هر ســکانس از جذابیت پنهان بورژوازی پر اســـت از طعنه به زیســـــت سرمایه‌دارانه، مانند زمانی که پدر روحانی – یک کاردینال یا اســـقف – با لباس باغبان وارد خانه یکی از بورژواها می‌شـــود و پیش از لب به سخن گشـــودن، به صورت تقریباً زشتی از خانه بیرون رانده می‌شود و پس از پوشیدن مجدد لباس مخصوص خود، مورد اســـتقبال ویژه قرار می گیرد! و یا زمانی که متوجه می‌شـویم در واقع هیچ شـکلی از دوسـتی بین ۳ مرد بورژوا وجود ندارد، چرا که دوستان راستین هرگز به دنبال خانم‌های یکدیگر نیستند.

اما چند نکته در این فیلم وجود دارد که بیش از ســـایر نکته‌ها شایان توجه هستند. به عنوان مثال، تقریباً پیش از پایان یک سوم ابتدایی فیلم متوجه می‌شویم که یکی از بورژواها، سفیر کشوری خیالی به نام میراندا است؛

سفیر کشـــوری که بر حســـب صحبت‌های برخی از شخصـــیت‌های اصلی و فرعی فیلم متوجه می‌شویم بســـیار فقیر بوده و دارای یک نظام سیاسی بســـته و دیکتاتوری اســـت؛ ســـفیری که به جای رایزنی جهت پیشـــبرد منافع کشـــور بیچاره‌اش، با سواستفاده از مصونیت دیپلماتیک کوکائین قاچاق می کند! موقعیت ســـفیر و اعمالی که از او ســـر می‌زند، به وضـــوح نشان‌دهنده بی‌تفاوتی بورژوازی نوکیسه نسبت نوع بشـــــر و حتی هم‌میهنانش، و همچنین پیوند بین سرمایه‌داری و قدرت فاسد ناشی از دولت است.

جذابیت پنهان بورژوازی مانند ســـایر آثار بونوئل، بین رویأ و واقعیت در ســـیر و ســـلوک اســـت و از دیگر نکته‌های مهمی که دارد، بی‌توجهی یکایک ســـه مرد بورژوا نسبت به خواب‌هایشـان است؛ خواب‌هایی که می‌توانند برای هر انسان دیگری تلنگر محسوب شده و شیوه زندگی در عالم واقعیت را دگرگون کنند.

اما چه انتظاری می‌توان داشت از انسان‌هایی که سراسر بحث و فکر و ذکرشـــان پول، تظاهر، شـــهوت و شکم‌پرستی است؟ انسان‌هایی که نام انسان بر دوششان سنگینی کرده و بهتر اســـت آن‌ها را با عنوانی که بونوئل برگزیده بازشناسیم: بورژوا!

●رضا جمشیدی در گفتگو با صدای آزادی:

تأییدات فضای مجازی برخی شاعران را دچار توهم کرده است

●فرهاد کریمی

رضا جمشـــیدی متولد شهرستان سرپل ذهاب و دانشـــجوی دکترای علوم سیاسی است که در عرصهٔ شـعر و ادب و همچنین پژوهش، فعالیت های چشـمگیری دارد. از این نویسـنده کتابهای متعددی چاپ و منتشر شده که می توان از «ایران ســـرزمین با شـــکوه»، «ســـرپل زهاب در گذر تاریخ»، «اعتقاد به منجـــی آخـــر زمان در آیین یارسان»، «فرهنگ نامهای کردی»، مســـــتند داستانی «نام:سیدرضا»، مستند داستانی «روزهای سختی که داشتم»، مستند داستانی«بتول»، مستند داســـتانی «زخمی اردوگاه موصـــل»، مجموعه خاطره «غروب جاویدان»، مجموعه شـــــعر کوردی«یی داوان هســـــاره»، مجموعه شعر کوردی«دواره چیوزه دیم»، مجموعه شـــــعر کوردی« دنگ چویلد تی»، مجموعه شـــــعر کوردی« کموترانه»، مجموعه شعر کوردی« پری وەچ»، مجموعه شعر کوردی« نازار ئاسمان کەو»، تاریخ مصـــــور سرپل زهاب، کتاب تاریخی «مهاجر ماندگار»، داســـــتان «فراتر از جنگ»، داستان «می خواهم دریا بمانم» و داســـتان «روله» نام برد. گفتگوی ما را با ایشان بخوانید:

ـ شما به عنوان شـاعری که هم با دو زبان کُردی و فارسی شعر می نویسید، بفرمایید شـــرایط فرهنگی و مدنی حوزهٔ یک زبان در ایجاد و شکوفایی شعر و ادبیات آن زبان چه اندازه تأثیر می‌گذارد؟

قطعا شعر بعنوان یک هنر و یک مولفه فرهنگی متاثر از فضـــای فرهنگی و مدنی جامعه است. شـــما نگاه کنید شـــعر کوردی بعد از دهه ۷۰ جایگاه ویژه تری یافته اســـت و این متاثر از فراهم بودن زمینه های فرهنگی مانند رسانه بود. در دهه اخیر نیز فضـــای مجازی به تقویت آن کمک کرده و می توانیم بگوییم که شـــــعر کوردی حوزه کرمانشـــــاه و ایلام خود را به جامعه قالب کـــرده و جامعه نیـــز آن را پذیـــرفته است.

اســـتقبالی که از زبان و ادبیات کوردی در حال شکل گیری است بیانگر به ثمر نشســـتن فعالیت های فعالان این حوزه و تولید محتوایی است که شکل گرفته.

ـ انتظار بر این اســـت که در تولید آثار با زبان محلـی، المان‌های طبیعـی و تفکـر بومی برجسته تر باشد.

ما نباید به زبان مادریمان ظلم کنیم و آن را در حد یک زبان محلی تقلیل دهیم. اگر بخواهیم با این دیدگاه با زبانها مواجه شویم باید بگوییم که زبان فارســـی هم در قیاس با زبانهای مطرح دنیا یک زبان محلی اســـــت. قطعا هر زبانی مولفه های فرهنگی خود را دارد و این در ادبیات کوردی ما هم خود را نشان داده.

امروزه می توانیم بگوییم در وضعیت دو بعدی از زیســـــت جهانی قرار داریم هم جهانی فکر می کنیم هم بومی. به نوعی ناگزیر از آن هســـــتیم. بنابراین یک شاعر در آثارش نشـــانه هایی از این دو بعد جهانـی و بومـی را مـی توان یافت. ممکن اســـت از بلوط و ســـروین بعنوان دو مولفه بومی بگوید و بعد از صـــلح و دوســـتی بعنوان یک خواست جهانی بسراید.

اما در کل می توانم بگویم که شـاعر کورد چون می خواهد برای مردم هم زبان خودش شـــــعر بگوید قطعا به این مولفه ها توجه مـــی کند و من خودم هم از این قاعده مستثنی نیستم.شاعر فارس زبان ممکن است از دماوند و البرز بگوید و شاعر کورد هم از قلاقیران و پراو و بمو وســـــرکش و...اینها بخاطر این است که فهم مشترک از یک اثر ادبی به وجود بیاید و مخاطب با این مولفه ها احساس نزدیکی کند. بنابراین موافقم که باید این مولفه ها برجسته باشند.

ـ طرح مسائل اجتماعی و عاطفی در آثار فارسی و کُردی شما نمود فراوانی دارد. این شـــــناختِ حسّی چقدر می تواند معرفت و شناخت مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد؟

من ســـعی کرده ام که خیلی ســـاده و بدون پیچیدگی در ادبیات فعالیت داشته باشم. از همین رو شعر من به دور از پیچیدگی است و راحت با مخاطبم ارتباط برقرار می کنم. ســـعی کرده ام دغدغه های عاطفی و عاشـقانه مخاطب همراه با مســـائل اجتماعی و گاها سیاسی در شعرم نمود داشته باشد.

من بازتاب های مختلفی را از مخاطب مشـاهده کرده ام که نشـان می دهد که جامعه ی هم زبان ما دوست دارد عواطف و احسـاساتش را با زبان مادریش بیان کند و این وظیفه شـاعر اسـت که تولید محتوا کند. شما نگاه کنید امروزه موسیقی حوزه کرمانشاه و ایلام با شعر کوردی کلهری و فیلی و کرمانشـاهی پیوند خورده در حالیکه در گذشته اصلا اینگونه نبود .

امروز بســـیاری از شعرهای شاعران این حوزه، ورد زبان مردم شـده، توسـط کودکان و جوانان دکلمه می شـوند، توسـط خوانندگان خوانده می شـوند. این یعنی آن پیوند و همگرایی بین ادبیات کوردی و جامعه مخاطب برقرار شـــده اما کافی نیست.

امروزه بسیاری از شاعران نامدار این حوزه زبانی، به همان آثار قبلیشـان بسـنده کرده اند و فعالیت آنچنانی ندارند و این آفت بزرگی بـرای ادبیات کوردی است.

شاعر نباید احســـاس کند که به پایان رسیده و بخاطر مشکلاتی که در جامعه وجود دارد انگیزه اش را از دست بدهد. من بررسـی کرده ام اکثر شاعران پر ظرفیتی که می توانســـتند سالها تولید محتوا کنند به همان یک کتاب و یا چند شعرشان محدود شـــده اند و این برای جامعه مخاطب که بشدت نیازمند تولید مختواست خوشایند نیست.

ـ بومی نگری و بومی گرایی خاصـی در نگرش‌ها و ایده‌های شعری شـما به ویژه در شـعرهای کُردی تان وجود دارد. در این رابطه صحبت می‌فرمایید؟

من بعنوان یک شاعر جزیی از این جامعه هســـتم بنابـراین هـــر گونه فعالیت هنـریم در حوزه زبان کوردی باید مملو از بومی گرایی و بومی نگـری باشد. هرگاه شعر کوردی گفته ام تمام سـعیم این بوده که این مولفه ها پررنگ باشـــــد و به دل مخاطبم بنشـــیند. سهراب سپری می گوید«اهل کاشـــانم...» این یعنی شـــاعر متاثر از جغرافیایی است که در آن زندگی می کند و فرهنگی اسـت که با آن بزرگ شده.

من شـــعرهای زیادی دارم که در آن جغرافیای مناطق کوردنشـین و فرهنگ بومی دیده می شود و این برای مخاطب گواراتر است. بنابراین وقتی من شـــعر کوردی می گویم مخاطبم قطعا مردم کورد هم زبانم هســـتند و باید به زیســـت بوم مشـــترکمان توجه کنم. تولید محتوای سالهای اخیر حتی باعث شده که ادبیات حوزه کرمانشاه و ایلام در مناطق سورانی نشین و کرمانجی نشین و ...نیز مخاطب پیدا کند.

ـ برقراری پیوند مناسب میان نماد و کلمه چقدر به مخاطب در دسـتیابی به ارجاع های مدّ نظر شما کمک کند؟

مخاطب وقتی شـعری با زبان مادریش می خواند ممکن اســـــــت با انبوهی از پیش زمینه ها و نوسـتالژی ها مواجه شـود و این خاصـیت زبان مادری اسـت. ممکن اسـت در شـعری کلمه ی «سـیه دوار» آورده شـــده باشـــد. این می تواند مخاطب را به گذشته ها ببرد و خاطراتش را مرور کند.

بنابراین این همان پیوند مناسب نماد و کلمه است که بیانگر شـــناخت مخاطب از منظور شـــاعر و ارجاع ذهنش به نوستالژی و داشـته های فرهنگی که با آنها زندگی کرده می باشـــد. ادبیات بومی برای آنهایی که با این زبان تکلم می کنند سرشار از این نمادهاست. اگر تعریفمان از نماد نشـانه ای باشد که نشانگر یک اندیشـه، شیء و مفهوم باشد این مسئله در فرهنگ بومی ما بسیار به وفور دیده می شـود و مخاطب تنها با یک کلمه مواجه نمی شود بلکه با انبوهی از نشـــانه ها و ارجاع ها به گذشته مواجه می شود که برایش بسیار خوشایند است.

ـ شـــاعران کُرد بزرگی مانند عبدالله گوران، رشـید نجیب و ... با مهاجرت به اروپا تحت تأثیر تحولات شـعر غرب قرار گرفتند و نوع نگرش و رویکردشـان در شعر کُردی متحول شـد. حال اگر قبول داشته باشـیم که زبان ها در کنار یکدیگر زنده اند، از تأثیرپذیری ادبیات کُردی از ادبیات سایر زبانها صحبت بفرمایید.

تفکر جهان شـــمول خود را محدود به زبان نمی کند چون تـرجمه را به خدمت مـی گیـرد. مانند آثار جبران خلیل و نزار قبانی که عربی هسـتند اما به چند زبان ترجمه شـــــده اند. بنابراین هر گاه شعری به یک زبان خاص سروده می شـود و بعد ترجمه می شود بخشـــی از مولفه های فرهنگی جامعه خود را نیز عرضه می کند.

من بـر این عقیده ام که زبان کوردی بیش از هـر زبانی از ادبیات فارسـی تاثیر گرفته اسـت و رگه هایی از این ادبیات در شـــعر کوردی دیده می شود. شاعران سپیدسـرای زیادی سـعی کرده اند که تفکرات جهان شـمول خود را در قالب شـعر ســـپید کوردی به جهان معرفی کنند. نمونه اش عبدالله گوران، رشـید نجیب، فرهاد پیربال و... و من فکر می کنم این نوعی تبادل اندیشـــــه و احساس است.

همانگونه که ما ترجمه رمان ها و اشعار دیگران را می خوانیم. در کل می توان در پاسـخ به سـوال اصلی شـما اینگونه گفت که زبان کوردی اگر چه دارای گویش ها و لهجه های فراوانی اســـت اما در حوزه جغـرافیایـی ایـران متاثـر از ادبیات فارسی است.

ـ تحلیل شـــما از حرکت های جریان نوگرایی شـــعر کُردی در دههٔ اخیر چیست؟

جریان نوگرایی در حوزه زبانی کرمانشـاه و ایلام نیز متاثر از همین جریان در ادبیات سورانی شـکل گرفته اسـت. در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی، سـه جریان ادبی عمده در شعر نو کردی در کردستان عراق بوجود آمد. جریان ادبی موسـوم به مکتب اربیل که نماینده آن عبدالله پشـیو است؛ جنبش ادبی جنوب کردستان عراق یا مکتب کفری که چهره بارز آن لطیف هلمت اسـت و جریان ادبی موسـوم به مکتب روانگه که نماینده آن شـیرکو بی‌کس است.

جریان نوگرایی حوزه زبانی کرمانشـاه و ایلام نیز متاثـــر از این جـــریانات بوجود آمد و بعدها در کردســـتان ایران نیز جریان های دیگری به وجود آمدند که رقابتهای حاشیه داری هم با هم داشتند. من خودم علاقه ای به فعالیت در این حوزه ندارم اما در مقابل آن هم جبهه نمی گیرم. احســـاسم بر این اســـــت که جریان نوگرایی در چارچوب مخاطب خاص توانسـته خودش را زنده نگه دارد و استقبال آنچنانی از آن نشده است.

جریان نوگرایی در شـعر کوردی سـعی دارد خودش را در مقیاس جهانی عرضـــه کند و چون در قالب شـعر سـپید و آزاد اسـت و نیازمند تـرجمه، بنابـراین کمتـر به مولفه های بومی می پردازد. من فکر می کنم که قالبهای کلاسیک همسـویی بیشـتری با جامعه دارند. این در ادبیات فارسی هم نمود دارد.

ـ چگونه مـی‌توان متنـی را که تحت تاثیر فضـاهای ایدئوژیک و ایده‌های مشخص ذهنی تولید می‌شوند از شعار زده گی نجات داد؟

این دیگر هنر شـاعر را می رسـاند که تا چه حد توانمندی عبور از شـعار زدگی را دارد. متاسفانه ادبیات درگیر شعار زدگی است و این مسـئله به آن لطمه می زند. شـاعر باید مواظب خودش و آثارش باشد. شعارزدگی ممکن است در کوتاه مدت جلب توجه کند اما در درازمدت شـاعر را دچار بحران می کند.

ـ و حرف آخر؟

ادبیات کوردی امـروز جایگاه ویـژه ای در بین جامعه پیدا کـــرده و باید این جایگاه را تقویت کنیم. ما نیازمند به حفظ زبان مادریمان هسـتیم و شعر و موسیقی می تواند به این مســـئله کمک شـایانی بکند به شـرطی که آن را جدی بگیریم و برای آن زحمت بکشیم نه اینکه بصـورت ابزاری به آن نگاه کنیم و آن را وسـیله ای برای معروف شدن بدانیم. امروز می بینیم که برخی شـاعران در این حوزه جغرافیایی دچار توهم ادبی شده اند که این هم آفت بزرگی است.

فضای مجازی و تاییداتی که از این فضـا به شاعر می رسـد او را دچار توهم کرده اسـت و هرگونه بخواهد مانور می دهد و خلاء نقد، زمینه را بـرای این یکه تازیها فراهم نموده است. نیاز اسـت که کارهای اســـاســـی تری برای حفظ این ادبیات صورت بگیرد. هنوز در مسـئله وزن شعر کوردی و رسم الخط، بلاتکلیفی وجود دارد.

اینها باید توســـــط بزرگان این حوزه ادبی بازتعریف و چارچوب دار شـــــود. نیازمند همایشـــهای ادبی و معرفی کتاب برتر سال در حوزه ادبیات کوردی هسـتیم تا انگیزه ها بیشـتر شـــود. باید از این انفعال بیرون بیاییم و نگذاریم زبان مادریمان تضعیف شود.

ســـعی کرده ام که خیلی ســـاده و بدون پیچیدگی در ادبیات فعالیت داشته باشـم. از همین رو شعر من به دور از پیچیدگی است و راحت با مخاطبم ارتباط برقرار می کنم

شعر امروز کرماشان

شعرهایی از رضا جمشیدی

۱

هرگز نرسیدم به قطاری‌که تو را برد
با پای پیاده به سواری که تو را برد
یک بار تو با مرگ‌کنار آمده بودی
آن هم سر بیهوده قراری که تو را برد
حالا چه مقدس شده اینجا که تو هستی
یک تکه بهشت است مزاری که تو را برد
ممنون خداوند عزیزی که تو را داد
بیزار خداوند قهاری که تو را برد
آن روز که رفتی چَقَدر زجر کشیدم
تا محو شدی بین غباری که تو را برد
ای کاش شبی خنجر تیزی بتوان زد
بر سینه‌ی آن □رحم نداری□ که تو را برد
گل‌های سفیدی که پر از عطر تو هستند
روئیده بر آن حلقه‌ی داری که تو را برد
من ماندم و تقویم پر از جای تو خالی
لعنت به بهاری به بهاری که تو را برد

۲

کاشکی حوصله‌ی رفتن تو سر برود
سمت این جاده‌ی بی عاطفه کمتر برود
قلبم ازجای خودش کنده شود آن وقتی
چمدان دست تو باشد طرف در برود
من حسودم چه بخواهی چه نخواهی اینم
دق کنم گر دل تو با دل دیگر برود
یک تماشای تو کافیست که عاشق بشوم
لازمم نیست دلت این همه منبر برود
عشق آن لحظه‌ی اول همه چیزش خوبست
بعد آتش بزند هر چه به آخر برود
هرگز از این گذر عمر پشیمان نشدم
خوشتر آن عمر که در سایه‌ی دلبر برود
حرف یک آمدن تازه بزن، تنهایم
حیفِ این عشق که با غصه و غم سر برود

۳

وقتی همه‌ی دارو ندارت بشود او
آهنگ پر از سوز سه تارت بشود او
هی زل بزنی بر شب و بیدار بمانی
هی گریه کنی فکر و قرارت بشود او
در کنج اتاقی تک و تنها بنشینی
چیزی نخوری شام و نهارت بشود او
دائم سر برگشتن او شرط ببندی
هی هر شب و هر روز قمارت بشود او
آنقدر بخواهیش، زمانی که بمیری
تنها کلمه روی مزارت بشود او
احساس کنی خان شده‌ای در ده بالا
اما همه‌ی ایل و تبارت بشود او
دیگر به کسی دل ندهی دل ندهی تو
وقتی همه دار و ندارت بشود او

۴

به نیت تو باز می کنم کتاب فالم را
اگر چه حدس می زنم جواب احتمالم را
جدای اینکه بینمان دوباره فاصله افتاد
ولی عبور چشم شور تو شکسته بالم را
ببین چگونه ریشه های تشنه ام در این قحطی
سراب هدیه می دهند شاخه های کالم را
و خوانده ام میان آن نگاههای موهومت
همیشه در کنار تو شکستن و زوالم را
همین که مثل یک غریبه از مقابلم رفتی
میان لحظه های عاشقی گرفته حالم را
و صفحه سه،بیت پنجم این جواب فالم بود
که یک نفر تباه می کند تمام سالم را
و داغ می زنم به پشت چشم عاشقم شاید
به سر عقل آورم نگاه بی خیالم را

سالمندان نرمش صبحگاهی و تپه نوردی را به برنامه های روزانه اضافه کنند

● امیر ولی زاده

ورزش روزانه کم فشار و با شدت پایین به صورت روزانه برای سالمندان بسیار مفید می باشد و باعث جلو گیری از غلظت خون و در نتیجه جلو گیری از سکته مغزی می شود ، ورزش روزانه در فضای باز باعث جذب ویتامین D از طریق نور آفتاب و همچنین باعث جذب کلسیم در بدن می شو که در نهایت باعث استحکام استخوان ها می شود .

در عین حال ورزش روزانه خطر ابتلا به آلزایمر و فراموشی در سالمندان را کاهش می دهد ورزش اهسته مانند پیاده روی و دوچرخه ثابت و نرمش صبح گاهی و کوهنوردی و تپه نوردی (با توجه به بافت طبیعی استان ما) نیز از جمله ورزشهای مناسب برای این سنین می باشد که باید آهسته و کم فشار باشد ورزش روزانه در سالمندان گردش خون در معده و روده را بالا می برد.

همین امر باعث هضم راحت تر غذا در سیستم گوارش و از بین رفتن اختلالات گوارشی می شود ورزش به طور منظم باعث از بین رفتن اسپاسم(گرفتگی های شدید عضلانی) که در سالمندان رایج است میشود ورزش روزانه را میتوانید ۱۵ دقیقه در طول روز انجام دهید که آثار مفید و خوبی بر جسم و روح دارد

پژواک

گردشگری کرمانشاه به کجا می‌رود؟

به اذعان بسیاری از صاحب نظران و کارشناسان حوزه گردشگری، کرمانشاه سرزمینی است که با پیشینه تاریخی و تمدنی کهن، فرهنگ و آداب و رسوم غنی، زیبایی ها و جاذبه های طبیعی فراوان و مردمانی میهمان نواز و خونگرم، قابلیت های زیادی برای توسعه گردشگری در دل خود جای داده است.

هرچند طی سالهای گذشته عواملی از جمله جنگ تحمیلی و پیامدهای ریز و درشت آن باعث شده بود کرمانشاه نتواند همپای اصفهان و شیراز و یزد و استان های شمالی قطار گردشگری خود را روی ریل درستی بیندازد، اما بسیاری بر این باورند که در چند سال منتهی به آغاز شیوع بیماری کرونا، گردشگری به خاک افتاده کرمانشاه در حال جان گرفتن و ایستادن روی پاهایش بود.

در آن سالها جرقه هایی از منطقه اورامانات کرمانشاه زده شد که در حال شعله ور شدن بود. مردم این منطقه که خداوند زیبایی های طبیعی بی شماری را نصیبشان کرده و آداب و رسومی تماشایی را از فرهنگ اصیل و نابشان به ارث برده اند، تلاش کردند تا با نشان دادن همین داشته هایشان گردشگران را به سوی خود بخوانند که بسیار هم موفق بودند.

با برگزاری جشن ها و رویدادهای گردشگری مختلف در منطقه اورامانات هر روز پای گردشگران بیشتری به این منطقه باز می شد و بیشتر به مردم ایران معرفی می شد. در آخر هم کار به جایی رسید که در روزهای تعطیل سال صف های طولانی خودروها منتهی به روستاهای گردشگر پذیر اورامانات تا چند کیلومتر هم کشیده می شد.

گردشگری اورامانات که رونق گرفت، تحرکی در سایر مناطق دارای جاذبه گردشگری استان هم بوجود آمد. فرهنگ گردشگری بیشتر از شهر در روستاهای کرمانشاه در حال جا افتادن بود. اقامتگاه های بوم گردی یکی یکی در روستاها راه اندازی می شدند و هرکدام در دنیای مجازی، دنیایی از زیبایی را از روستایشان به تصویر می کشیدند.

روزهای خوبی برای گردشگری کرمانشاه در راه بود. علیرغم اینکه در حوزه گردشگری تاریخی باوجود تاریخ چند هزار ساله و شکوه آثار باستانی برجای مانده چندان موفق عمل نکرده بودیم و میراث فرهنگی ما همیشه دستخوش تغییرات مدیریتی و حواشی بزرگ و کوچک بود، اما در حوزه اکوتوریسم و گردشگری روستایی، مردم محلی منتظر تصمیم سازی مسئولین درگیر حاشیه نشدند و خودشان آستین هایشان را بالا زدند و اتفاقات خوبی در حال افتادن بود.

آنطور که مسولان سابق میراث فرهنگی استان آمار می دادند، در سال ۱۳۹۷ حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار و در سال ۱۳۹۸ حدود دو میلیون نفر گردشگر به کرمانشاه آمده بودند. آنها پیش‌بینی کرده بودند که با برگزاری رویداد کرمانشاه ۲۰۲۰ که در حوزه گردشگری روستایی بود این آمار در سال ۱۳۹۹ به سه میلیون و در سال ۱۴۰۰ به چهار میلیون نفر برسد و از راه گردشگری در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۰۰ میلیارد تومان برای کرمانشاه درآمد حاصل شود، اما از اواخر سال ۱۳۹۸ که کرونا شیوع پیدا کرد، همه کاسه کوزه ها شکسته شد، چراکه رکود گردشگری از یک سو و عدم برگزاری رویداد کرمانشاه ۲۰۲۰ از سوی دیگر همه این رویاها را به یغما برد.

طی حدود دو سال از شیوع بیماری کرونا گردشگری کرمانشاه روزهای تلخی را سپری کرد. چراغ هتل ها، اقامتگاه های بوم گردی، میهمانپذیرها و خانه مسافرها تقریبا خاموش شد و قامت فعالین گردشگری استان خمیده.

گردشگری که می رفت تا از دالان سیاه روزهای خاموشی و رکود خارج شود و وارد دنیای روشن رونق شود، بازهم ناتوان و بی جان به زمین افتاده و نمی توان آینده دقیقی را برای آن پیش بینی کرد.

با اینحال یکی از فعالین گردشگری استان معتقد است، علیرغم کم کاری هایی که شده می توان در دوران پسا کرونا دوباره شاهد جان گرفتن گردشگری کرمانشاه باشیم.

یاور عبیری در گفت و گو با ایسنا، وضعیت گردشگری کرمانشاه را تا پیش از شیوع کرونا رو به رشد توصیف کرد و گفت: تجربه یک گردشگری با رونق باعث شده بود تا جوانان زیادی در سطح استان وراد این عرصه شوند و انصافا هم خوب درخشیدند.

وی به شیوع بیماری کرونا و تاثیرات آن در رکود گردشگری استان اشاره کرد و افزود: کرونا در روزهایی که قرار بود اوج جنب و جوش گردشگری خود را داشته باشیم، شیوع پیدا کرد و نتیجه آن هم افت شدید گردشگران بود. هرچه هم جلوتر آمدیم شرایط بحرانی تری گریبان گردشگری کرمانشاه را گرفت./ ایسنا

تحلیلی روانشناسانه از پاندمی بزرگ

تراژدی کرونا جهان را بیدار کرد

● دکتر نیره مردی

تراژدی کرونا جهان را بیدار کرد و دریچه‌ای نوین به جهان‌بینی انسان در قرن شروع و شتاب تکنولوری بخشید، دریچه‌ای که انسان را بیدارتر و در عین حال بیمارتر ساخت ، او را وادار کرد تا از نگاهی فراانسانی به سلامت –مرگ– جهان معنای زندگی و بودن بیاندیشد.

تراژدی کرونا باعث شد انسان دوباره به ارتباط مستقیم و بسیار مهم سلامت جسمی و روانی پی ببرد، مفهومی که روانشناسی نوین سالهاست در پی تبیین و بررسی آن است. واژه تراژدی از نظر ارسطو نوعی کالبدشکافی فلسفی است و جزو برترین روش‌های بیان جهت رشد عواطف و احساسات و شکوفایی و تعالی انسان است.

در واقع واژه تراژیک به جلوه‌های خاصی از جهان اشاره دارد که در آن انسان همواره در نبرد و کشمکش با نیروهایی است که بر او غالب می‌شوند و در آن احساس ناتوانی و تیره‌روزی نمایان است، موقعیتی که فرد یا افراد با تقدیر یا فرد یا نظام یا خدایان در مقابله قرار می گیرد و ناگزیر از انتخاب می‌شود، انتخابی که باید بهایش را بپردازد اما انتخاب ما در این داستان کرونایی چه بود و از این به بعد چه خواهد بود؟

آیا بهایی که تاکنون پرداخته‌ایم (مشکلات روانشناختی از جمله اضطراب، افسردگی، تعارض‌های خانوادگی و ...) کافی نیست؟ آیا می‌توانیم این شرایط را مدیریت کنیم؟

بشر امروز در مقابل بهایی که جامعه برای کرونا پرداخته است دستاوردهایی زیادی نیز داشته است، مفاهیم جدید و روش‌های جدید را هم ابداع کرده است، نسبت به مرگ بیدارتر شده است و اکنون بیشتر از هر زمانی می‌داند که به این جهان آمده است تا مفهوم و معنایی تازه به بودنش برای نسل‌های بعد به جا بگذارد و جهان را به مکان بهتری تبدیل کند.

این تلنگر عظیم جهانی شاید واقعا لازم بود تا ما را ازخواب گران بیدار کند، در واقع جامعه جهانی دچار کاتارسیسی جمعی شده است. کاتارسیس به معنای تخلیه روانی و پالایش است، فرآیندی که در آن عواطف انسانی از جمله ترس و شفقت برانگیخته و بیدار می‌شود.

این تلنگر عظیم جهانی شاید واقعا لازم بود تا ما را ازخواب گران بیدار کند، در واقع جامعه جهانی دچار کاتارسیسی جمعی شده است. کاتارسیس به معنای تخلیه روانی و پالایش است، فرآیندی که در آن عواطف انسانی از جمله ترس و شفقت برانگیخته و بیدار می شود.

بنابراین می‌توان ادعا کرد که کرونا یک داستان تراژیک است که در حال حاضر پایان آن ناپیداست اما با نگاهی دیگر و البته خوشبینانه وهمراه با امید واقع‌بینانه می‌توان داستان را از زوایای دیگری نیز مورد بررسی قرار داد.

می‌توان داستان را از این زاویه دید که این داستان اولین بحرانی نیست که در جهان اتفاق افتاده و آخرین نیز نیست و همه بحران‌ها بالاخره پایانی داشته و دارند.

خطر بیماری و مرگ بر اثر کرونا چنان با روان جامعه در هم تنیده است که باعث شده انسان بیش از هر زمان دیگر مواجهه‌ای ملموس‌تر و واقع‌گرایانه‌تر نسبت به به مرگ داشته باشد و او را به این باور مهم برساند که آنچه در فکر و اندیشه و روان می‌گذرد تأثیر بسزائی بر جسم دارد.

کرونا و اضطراب مرگ زمینه تأثیر و تغییرات روانشناختی بسیاری را در بین همه اقشار جامعه ، چه افرادی که اهل فلسفه و دانش و اندیشه و قلم هستند و چه افرادی که اهل تفکر و اندیشیدن نیستند ، ایجاد نموده است و همه را به نوعی تحت تأثیر قرار داده و نمی‌توان از این حقیقت انکارناپذیر گریخت.

کرونا به مثابه آژیر خطری شده است که هر لحظه با شنیدن صدای آن به این مسئله بیاندیشیم که بالاخره روزی همه آنچه که هست ، نیست خواهد شد. بنابراین باید چاره‌ای اساسی برای بودن و ماندن و ارتقاء کیفیت این بودن اندیشید.

این بحران می‌تواند به بهترین شکل ممکن ما را برای خلق داستان‌هایی ارزشمند در ادامه زندگی پیش‌رو آماده کند و به ما بیاموزد که در این جهان مسافرانی هستیم که بالاخره روزی این سفر به پایان می‌رسد.

بنابراین مسیر این سفر را باید طوری پیش ببریم که بیشتر مراقب سلامت روانی و جسم خود باشیم و تفکر و اندیشیدن به مرگ باعث ارزشمند شدن و معنا بخشیدن به این مسیر باشد و ما را برای خلق جهانی سالمتر آماده کند و به ما بیاموزد که برای شناخت افکار و احساسات و روان خود نگاهی عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر داشته باشیم و هرچه زودتر مدیریت هیجاناتمان را بیاموزیم و بکار ببریم.

ویژه

چرا کرونا در برخی افراد شدیدتر بروز می‌کند؟

یک متخصص بیماریهای عفونی با اشاره به تفاوت شدت بیماری کرونا در افراد مختلف، قدرت سیستم ایمنی فرد و برخی ریسک فاکتورها را در این امر دخیل دانست.

دکتر فیض الله منصوری در گفت و گو با ایسنا، با بیان اینکه شدت بروز علائم کرونا در افراد مختلف متفاوت است، گفت: در برخی افراد این بیماری بصورت بی علامت بروز کرده و در برخی افراد به شکل خفیف و در دسته ای دیگر نیز فرم شدید بیماری ایجاد شده و برخی هم متاسفانه در اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست می دهند.

وی افزود: عامل مهمی که موجب تفاوت در بروز شدت علائم این بیماری شده، میزان قدرت سیستم ایمنی بدن افراد است.

منصوری گفت: بدن انسان ها از قوانین ریاضی پیروی نمی کند که همه چیز در همه افراد نتیجه یکسان داشته باشد، حتی بدن افراد دوقلو هم متفاوت بوده و در برابر بیماریهای مختلف واکنش های متفاوتی از خود نشان می دهد.

این عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه افزود: قدرت سیستم ایمنی در برخی افراد بالا بوده و در برخی ضعیف است و این امر در میزان شدت بروز علائم بیماری کرونا موثر است.

منصوری خاطرنشان کرد: علاوه بر این، ریسک فاکتورهای خطری این میان وجود دارد که موجب می شود بیماری کرونا در برخی افراد با شدت بیشتری بروز پیدا کند که از جمله آن می توان به چاقی، فشار خون، دیابت و... اشاره کرد.

وی افزود: علاوه بر این وجود برخی بیماریهای خاص و زمینه‌ای هم موجب می شود بیماری کرونا از شدت بیشتری برخوردار شود.

این متخصص بیماریهای عفونی خاطرنشان کرد: نوع ویروس کرونا هم در میزان شدت بیماری موثر است، بطور مثال ویروس کرونای انگلیسی قویتر از ویروس معمولی است و طبیعتا شدت علائم آن در افراد بیشتر است.

وی در خصوص نقش وراثت در شدت بروز بیماری کرونا هم گفت: وراثت در زمینه بروز بسیاری بیماری ها موثر است، اما در زمینه بیماری کرونا هنوز نتیجه قطعی در این زمینه مطرح نشده و اطلاعات علمی به دست نیامده است.

جدول

● طراح: گلناز بنفشه دوست

افقی:

۱- خسرو آواز ایران ۲-کبوتر ماده خاکستری-فاصله دور و مسافت دراز-کاخ زمستانی داریوش هخامنشی۳- اختراعی از مارکنی ایتالیایی-گدا، متکدی-روزه داری۴- آرزو و هدف-برهنه، عریان- رویداد، قضیه۵- زمینه- پدر تاریخ- فیلمی به کارگردانی جواد افشار۶- آب فروش-اسب چاپار- خطای انگلیسی- از نهاد برآید۷- ورم- خانه ی کوچک- فدراسیون اسکی۸- فدراسیون جهانی کشتی- برادران- افسار، عنان۹- نیمه ی خسارت-سیاستمدار آلمانی و رهبر حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان - اسمی پسرانه۱۰- یک عامیانه- ساقه ی قارچ- ریزه های طلا- هزار آذری۱۱- آقا، سرور- دکانداری، پیشه وری- من و تو۱۲- پسماند و خاکروبه- برادر پدر-هیزم۱۳- مرغابی- هدف، نشانه- کاخ تاریخی هندوستان۱۴- کوهی در رشته کوه زاگرس- مشهورترین نماد جامعه در قرون وسطی- مقابل زبری۱۵- زمین هموار- نویسنده اهل شیلی

عمودی:

۱- دریاچه ای در آلمان- کارگردان تنهاترین سردار۲- غار رسالت- سنجش، تطبیق- جوان۳- پیشرو، جلو رونده- درست نویسی- تازمانی که۴- از اشکال هندسی- یازده- فلس۵- بیماری تورم رگهای پا- حلقه ی نورانی که گاهی گرد ماه یا خورشید دیده می شود- سنگ ریزه۶- مخالف- چاره درد- رسم و دین- از گروههای خونی۷- از قبایل اعراب-یک غذای سنتی ایرانی- ثابت و استوار در ایمان۸- بد خویی و دشمنی- ناخن پای شتر- فرهیختگی، والایی۹- کوشش و تلاش- آستارا در هم- شش بازاری۱۰- پیامبران- واحد پول نروژ- دومین مهره گردن- شامل همه۱۱- نشانه مصدر جعلی- پادشاهان- بیماری روانی۱۲- شکیبا- بردبار- هر خانه ای دارد- دشمنی به هم ریخته۱۳-دستاورد، محصول- دانا- فریاد شادی۱۴-نیروی زندگی- فلزی در دندان سازی-اندک۱۵-نویسنده اثر گرگ بیابان-ناشایست، ناخلف

مقاله فیلمساز کرمانشاهی جزو ۱۰ مقاله برتر کشور شد

مقاله «پیمان فلاحی» مدرس و فیلمساز انجمن سینمای جوان کرمانشاه با عنوان «دانش فیلمنامه‌نویسی از رهگذر مطالعات عصب‌شناسی؛ رویکردی نسبتا نوین برای مساله‌ای قدیمی» جزو ۱۰ مقاله برتر جایزه پژوهش سال سینمای ایران شد.این مقاله به همراه ۹ مقاله دیگر در کتاب مجموعه مقالات برتر جایزه پژوهشی سال سینمای ایران چاپ و از سوی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شد.

این کتاب مجموعه‌ای از مقالات برگزیده ارسالی به چهارمین جایزه پژوهش سال سینمای ایران است که به همت سازمان سینمایی برگزار شده است؛ این ۱۰ مقاله از میان ۶۷ چکیده و ۴۰ مقاله نهایی برگزیده شده که با استناد به این کتاب، کاربردی بودن و محوریت مطالعات سینمای ایران در کنار ویژگی‌های علمی و فنی آن‌ها، از معیارهای گزینش مقالات توسط هیأت داوران بوده است.

چهارمین دوره جایزه پژوهشی سال سینمای ایران به همت سازمان سینمایی و امور سمعی بصری وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به دبیری دکتر «بهروز محمودی بختیاری» در خرداد ماه سال ۱۴۰۰ برگزار و با معرفی آثار برتر به کار خود پایان داد.

پیمان فلاحی دانش آموخته انجمن سینمای جوان کرمانشاه از سال ۱۳۹۷ به عنوان مدرس در این مرکز فعالیت دارد و تاکنون در حوزه سینما چندین کتاب ترجمه و چندین مقاله را به رشته تحریر در آورده است. /ایرنا

نگاه

کرماشان، استانِ بلاتکلیف

دکتر امرالله عظیمی

نمی دانم این بلاتکلیفی و چشم انتظاری تا کی ادامه دارد؟ چرا با این همه مشکلات و بدبختی هایی که داریم ولی دلسوز واقعی نداریم؟ چه چیزی باعث این شده است که افرادی که سرنوشت اجتماعی،اقتصادی و سیاسی ما در دستان آنان است برای ساماندهی وضعیت ما اقدامی نمی کنند؟

بسیاری از کسانی که متولی امور کنونی ما هستند تا بودند و انگیزه و فرصت داشتند توانایی انجام امور برای مردم را نداشتند حالا که دیگر جای خود دارد نه انگیزه دارند نه فرصت. نمی دانم به چه زبانی بگوئیم لطفا برای نجات مردم کرمانشاه اقدامی بکنید

دولت سیزدهم بیش از چهار ماه است که انتخاب شده است و بیش از دو ماه است که به صورت رسمی امور را به دست گرفته است از انتخاب وزرای کابینه تا استانداران بسیاری از استانها،ولی باز هم استان ما به دلایلی که همگان می دانند در آخر توقع برای ساماندهی قرار گرفته است.

دیگر به فلاکت باری و بیکاری و تورم داری بسیار بالا عادت کردیم، کم کم این صفت های اجتماعی را همواره جزوی از شرایط زندگی در کرمانشاه می دانیم. هیچ کس هیچ کاری نمی کند. تازه عده ای درپی ابقای استاندار قبل هستند، برای چه؟ مگر ازاین امتیازها با خبر نیستند؟ مگر از وضعیت فلاکت بار و بدبختی های پشت سرهم استان خبر ندارند؟

چه امتیازی در ایشان دیده اند که تقاضای ابقا داشتند- هرچند شاید در زمان نوشتن این متن این احتمال کم رنگ شده باشد-اما این پرسش اساسی سر جایش هست که آیا دولت سیزدهم هنوز برای ساماندهی وضعیت کرمانشاه عزمش جزم نشده است یا برخی افراد برای پیشبرد امور شخصی مانع انجام و سامان امور عمومی هستند؟

به نظر شرایط کرمانشاه با کسب این رتبه های نخست و نزدیک به نخست در بیکاری،فلاکت و تورم مستحق این باشد که به صورت ویژه برای انتخاب استاندار اقدام کنند اگر طلب و توقع استاندار ویژه نداشته باشیم. در هرصورت دود فرصت سوزی عده ای برای ابقای آزمون دادها و عده ای برای آن که انتخاب خواسته های آنان ارجح باشد دارد به چشم مردم فلاکت کشیده استان می رود. لطفا تا دیر نشده اقدام شود

گەپ گەورایل

ژیان ئڕایێ ئایەمەیل عاقڵ
مینێدە کۆمدی و ئڕایێ
ئایەمەیل لێوە مینێدە تراژدی

هووراس والپوول

بررسی نقش کردهای کلهر و زنگنه در شطرنج سیاسی صفویه و عثمانی

تبارنامه کلهرها

دکتر علی سهامی

حضرت خان جمعی را بر سر ایشان فرستاد و آن جمع را بسته با اسبان دزدیده آوردند حسب‌الحکم حضرت خان پیکرخان حاکم آنجا یکصد نفر از آن جمع را گردن زدند و بعد از عبور از سیمره قراحسنخان و حسینخان به جانب الکا خود رفتند.

در سالی که چغال اوغلی، فرمانده سپاهیان عثمانی از بغداد به قصد تصرف مناطق غربی از جمله دیار کرمانشاه لشکر کشید و نهاوند را تصرف کرد، شاهوردی خان لر از در دوستی با دولت عثمانی در آمد و قلمرو لرستان را جزیی از حیطهٔ نفوذ بیگلربیگی بغداد به حساب آورد و تن به انقیاد و اطاعت دولت عثمانی داد. شاه عباس برای سرکوبی شاهوردی خان لر از قزوین به سمت خرم‌آباد حرکت کرد. اما چون خبر غیر منتظرهٔ ورود شاه عباس به حدود خرم‌آباد را شنید. شاهوردی به سوی جبال غربی لرستان و منطقه سیمره و کبیره کوه از سلسله جبال زاگرس فرار نمود و از آنجا خود را به خاک عثمانی انداخت.

شاه عباس پس از فرار شاهوردی‌خان، سلطان حسین نامی را که برادرزادهٔ وی بود و از دست شاهوردی‌خان به میان ایل کلهر پناه برده و در این هنگام در اردوی شاه عباس حاضر شده بود، به جای او به ایالت لرستان انتخاب نمود.

پناه بردن سلطان حسین برادرزادهٔ شاهوردی‌خان والی لرستان به میان ایل کلهر ناشی از اقتدار این ایل در ایام سلطنت شاه عباس اول است.

مولف کتاب روضة‌الصفا در این باره می‌نویسد:«پس از گریختن شاه‌وردی خان به رم [عثمانی]... سلطان حسین ولدشاه رستم که از بیم شاهوردی در میان طایفهٔ کلهر متواری و فراری بود، روی امید به آستان پادشاهی آورده به ایالت لرستان مفتخر و منصوب شد و یکصد هزار گوسفند به سپاهیان رکاب نصرت‌مآب از پیشکش اهالی لرستان انعام رفت.»

در سال ۱۰۱۲ هـ. ق. شاه عباس اول به الله‌وردی خان، بیگلربیگی فارس دستور داد از راه شوشتر و هویزه به بغداد رفته، ضمن بررسی حکومتی آنجا، چنانچه ازون حسن احمد پاشای بغداد به دولت ایران وفادار نبود او را سرکوب نماید.

اوزن احمد چون در امر حکومت بغداد استقلال پیدا کرده بود و از سوی دولت عثمانی حکومت بغداد به او واگذار شده بود عدم اطاعت از دولت صفوی را اعلام داشت.

الله وردی‌خان بغداد را محاصره کرد و آن تسخیر نمود پس از طریق کرمانشاه به سمت آذربایجان رفت.

در بین راه معلوم شد که میرقباد کلهر پسر میرعمر کلهر از امرای سنجق رومی ساکن در قلعه زنجیر به عده‌ای از سپاهیان الله‌وردی خان حمله کرده و به آنان آسیب رساندند از این رو الله‌وردی خان، میرقباد کلهر را که به آل عثمان وابسته بود برانداخت و این نواحی را از هواخواهان آل عثمان پاک کردند.

رّد پای کُردان کلهر در خراسان

حاکمان صفوی همواره از کُردها برای سرکوب ازبکها در شمال شرقی ایران استفاده کرده‌اند در زمان شاه تهماسب اول اوغلان بوداق خان چگنی از امرای بزرگ کُرد به حکومت شهر مشهد و سپس قوچان منصوب شد. حکومت اسفراین از این زمان تا جلوس شاه عباس اول در اختیار کُردها بود. کُردهای اسفراین در حملهٔ عبدالمومن خان ازبک که به دنبال قتل عام و خرابی شهر مشهد روی داد از ورود ازبکان به اسفراین به شدت جلوگیری نمود، مدت‌ها مردانه به دفاع برخاستند و تا آخرین نفر از کُردها که زنده بود برج و باروی شهر به تصرف ازبک‌ها در نیامد.

کچل قباد کلهر، آخرین بازماندهٔ کُرد با ابراز شجاعت زایدالوصفی تا آخرین لحظه پیکار نموده تحسین دشمن را برانگیخت و به خاطر همین رشادت و استقامت بود که سرانجام یکی از امرای ازبک که در داخل برج به وی دست یافت، حیفش آمد که چنین سلحشوری را به قتل رساند، از این رو پس از خلع سلاح، وی را شبانه از اسفراین خارج ساخت و تنها همین کُرد بود که جان سالم به در برده خبر سقوط اسفراین آخرین پایگاه خراسان را در قزوین به اطلاع شاه عباس رسانید.

شاه صفی

شاه صفی ششمین پادشاه سلسلهٔ صفویه، پس از مرگ شاه عباس در بیست و چهارم جمادی‌الاول ۱۳۰۸ هـ. ق. نوزدهم ژانویه ۱۶۲۹ در اصفهان بر تخت سلطنت نشست نام وی قبل از رسیدن به پادشاهی سام میرزا بود که در سال ۱۰۲۱ هـ. ق. از مادری گرجی و پدرش که صفی میرزا نام داشت متولد شد و نوهٔ شاه عباس اول بود شاه صفی در ابتدای جلوس، شاهزادگان صفوی و دخترزادگان شاه عباس را به تیغ جلاد سپرد.

احتمالاً انگیزهٔ او در این جنایات بر اثر کینه‌ای بود که نسبت به جدش شاه عباس داشت که به قتل شاه‌زاده صفی میرزا، پدرش، فرمان داده بود.

استحکام مبانی قدرت حکومت صفوی در دورهٔ شاه عباس اول اجازهٔ بروز قیام‌های محلی را سلب کرده بود. اما پس از مرگ او در نقاط مختلف علم طغیان برافراشته شد که یکی از این شورش‌های داخلی قیام خان احمدخان والی کردستان بود.

شورش خان احمدخان کُرد در عصر شاه صفی

خان احمدخان فرزند هلوخان از امرای کُرد اردلان در دورهٔ شاه عباس اول در تصرف قلعهٔ رواندوز و شهر موصل از خود دلاوری‌های بسیار نشان داده بود پس از مرگ شاه عباس و در اوایل روی کار آمدن شاه صفی کماکان مورد عنایت وی بود.

میرزا احمدطاهر قزوینی مؤلف کتاب تاریخ جهان آرای عباسی در ذکر سوانح و وقایع سال ۱۰۳۹ هـ. ق هنگام اقامت شاه صفی در همدان از چگونگی اسارت خانزاده خانم کلهر توسط خان احمدخان و تحویل این خانم سرکردهٔ اکراد به درگاه شاه صفی گزارشی ارائه داده است:

«... و خانزاده خانم که سرکردهٔ بعضی از اکراد و همواره محرک فساد بود، در این اوان به دست احمدخان گرفتار شده، مومی الیها را به درگاه جهان پناه فرستاده مورد بخشش و الطاف شاهانه گشته به الکای خود مراجعت نمود.»

اما بعد از این رخدادها به علت حسادت و سعایت بدخواهان رابطهٔ خان احمدخان اردلان و شاه صفی به تیرگی گرایید.

خان احمد داماد شاه عباس بود و زرین کلاه خواهر او را در حبالهٔ نکاح داشت و از این زن پسری به نام سرخاب که بسیار مورد توجه شاه عباس بود، داشت. اما بدگمانی شاه صفی باعث شد تا این جوان را کور کردند و این حرکت خشم و طغیان اردلان خان را به دنبال داشت. او با حکومت عثمانی هم پیمان شد و نواحی‌ای از ایران از جمله، کرمانشاه، سنقر، دینور، مکری و خوی و ارومیه متصرف گشت. پس از آن از طرف عثمانی موصل و کرکوک نیز به او داده شد و خان احمد هفت سال در موصل و کرکوک حکم‌فرمایی کرد.

شاه صفی بعد از بر تخت نشستن، برای اعلام سلطنت و پایان دادن به اختلافات ارضی میان ایران و عثمانی، هیئتی به سفیری مقصودبیگ روانهٔ دربار عثمانی نمود هر چند که در این ایام به دلیل تصرف عراق عرب توسط سپاه قزلباش در اواخر عهد شاه عباس هنوز حالت جنگی بین دو کشور برقرار بود. شاه صفی توسط سفیر اعزامی خود پیشنهاد ترک مخاصمه و انعقاد پیمان صلح بین دو کشور را مطرح کرد. اما سلطان مراد چهارم پادشاه عثمانی که در طول سلطنتش شکست‌های متعددی از شاه عباس اول دریافت داشته و بین‌النهرین را از دست داده بود، به این پیشنهاد اهمیتی نداد و خود را آمادهٔ عملیات نظامی و حمله به سرزمین ایران نمود.

سلطان مراد چهارم عثمانی به دنبال بهانه‌ای بود تا به بین‌النهرین از دست رفته حمله ببرد که ماجرای گئورکی ساکادزه سردار گرجستانی معروف به مُوراوی چنین فرصتی را فراهم کرد.

موراوی که از فرماندهان متنفذ دوران شاه عباس در گرجستان بود سر به شورش برداشت و شاه صفی برای سرکوبی او سپاهی به گرجستان فرستاد، سردار گرجی چون تاب مقاومت نیاورد به خاک عثمانی پناهنده شد. سلطان مراد همین حادثه را دستاویز و بهانه قرار داد و صدراعظم خود خسرو پاشاه را در سال ۱۰۳۹ هـ. ق. مأمور فتح بغداد کرد.

سپاه خسروپاشا در اثر باران‌های شدید مدتی در موصل متوقف شد و سپس وارد کردستان گردید. شاه صفی زینل خان شاملو سپهسالار ایران را به مقابله با او فرستاد. در نبردی که در حوالی قلعهٔ مریوان بین دو سپاه اتفاق افتاد سپاه ایران شکست خورد و متلاشی گردید و سپاه عثمانی همدان را به تصرف درآورد و سپس از راه جبال زاگرس به طرف بغداد عزیمت کرد.

ادامه دارد

روانشناسی

نگاهی به اختلالات روانی

کافرهمه‌را به‌کیش‌خودپندارد...

زینب اکبری

این مصرع را که بین مردم به صورت ضرب المثل رواج پیدا کرده زیاد شنیده ایم، منظور آن است که افراد دنیا را از زاویه ی دید خود و بر اساس آنچه در ذهنشان میگذرد می بینند. اگر ذهنشان مکان زیبایی ها باشد دنیا را زیبا می بینند و اگر چنین نباشد چشم خود را بر زیبایی های دنیا بسته و تنها زشتی ها را می بینند و آیا به راستی کافر همه را به کیش خود پندارد؟

این ضرب المثل مصداق بارز فرافکنی است. فرافکنی یعنی ویژگی هایی که در درون ماست، متعلق به ماست و در خود ما وجود دارد (بیشتر منظور ویژگی های منفی است) را به دیگران نسبت می دهیم، وجود آنها را در خود انکار کرده و در دیگران می بینیم

فرافکنی درباره ی افرادی که دچار بدبینی هستند و به دیگران سوءظن دارند صدق میکند. آنها افکار منفی خود را به دیگران نسبت می دهند و مدعی هستند که دیگران آن افکار را نسبت به ایشان دارند.

مبنای اختلال شخصیت پارانویید، بدبینی و فرافکنی است، این بیماری زیر مجموعه ی گروه(B(از اختلال‌های شخصیت ذکر شده در راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی انجمن روانپزشکی امریکا (DSM5) می باشد.

افرادی که دچار این اختلال هستند دارای ویژگی های زیر می باشند: فکر می کنند دیگران آنها را مورد سوء استفاده قرار خواهند داد و به آنها آسیب خواهند زد، و معمولا نگران مورد آسیب قرار گرفتن هستند.

بی دلیل و یا با وجود دلایل و شواهد ناچیز و معدود فکر می کنند که بقیه در حال توطئه چینی و نقشه کشیدن علیه آنها هستند.

معمولا با دیگران صمیمی نمی شوند و رازهایشان را با آنها در میان نمیگذارند، زیرا می ترسند که از اطلاعات آنها بر ضد خودشان سواستفاده کنند و با دیگران رابطه ی سطحی و سرد برقرار می کنند.

نسبت به انتقاد حساس هستند و در برابر انتقاد واکنش نشان می دهند.

در گفته ها و رفتارها و اتفاقها در پی سو قصد و هدف و معنی پنهانی هستند. حتی تعریف و تمجیدها را نیز سوء تعبیر می کنند. کینه ای هستند و نمی توانند حتی خطاهای بسیار جزئی دیگران را ببخشند و خود در پی انتقام گیری از دیگران اند.

حسودند و نسبت به دیگران حسادت می ورزند، توان دیدن موفقیت و پیشرفت دیگران را ندارند. معمولا خصمانه رفتار می کنند و صحبت می کنند و....

این بیماری جز اختلالات شخصیت است ، مانند سایر اختلال‌های شخصیت طولانی مدت است و ممکن است در اوایل بزرگسالی یا قبل از آن آغاز شود.

بدبینی و ویژگی پارانوئید در سایر اختلال‌های روانی مانند اسکیزوفرنی، دو قطبی و... نیز مشاهده می شود اما از نظر زمان و گستردگی و تعداد ملاکها با اختلال شخصیت پارانوئید متفاوت است، ولی همه ی آنها در ویژگی های اصلی مشترک اند، که دچار شدن به آنها تاثیر بسیار مخربی بر فرد و اطرافیان و رابطه بین او با دیگران دارد.

بدبینی و شکاک بودن سبب سردی و تنش بین افراد و ایجاد چالش هایی در روابط می شود که امنیت و آرامش روانی افراد را تهدید می کند...

ادامه دارد

هفته‌نامه دو زبانه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در غرب و شمال غرب ایران

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: جلیل آهنگرنژاد

ارتباط با مدیرمسؤول: ۰۹۱۸۷۵۵۲۶۹۶

کرماشان، ابتدای خیابان مدرس (جلوخان) ساختمان دکتر رحیمی، طبقه اول

چاپ پیام آزادگان کرماشان

صدای آزادی

بیست و پنجم مهرماه ۱۴۰۰ خورشیدی

سال هجدهم* شماره ۶۱۹ * ۸ صفحه

ت یەئ دف چۆ کەمان تیرەو دڵم خەی
دەف تر سا لە بان ئاخڵم خەی
دیۆەت نازار هووز ئاسمانی
وە نازەو نۆر خوەر ئەو تێوڵم خەی

عمران خودآموز

جواد مدلل در نشست هم اندیشی بزرگان ایل کلهر

سرمست به عنوان شهر صنعتی در کشور زبانزد خواهد شد

امیدوارم آنقدر اینجا(شهرستان گیلان غرب) کار فراهم شود که نیازی به مهاجرت جوانان جویای کار نباشد

در روزهایی که مردم با گرانی و بیکاری دست و پنجه نرم می کنند، شنیدن خبرهای خوب، غنیمتی گرانبها به شمار می آید. بویژه آن که چنین خبرهای امیدبخشی از سوی فردی نام آور در صنعت کشور باشد. در یکی از روزهای مهرماهی که جاری است، نشست باشکوهی در شهر سرمست به میزبانی مجتمع کشت و صنعت «باوان کلهر» برگزار شد. در این نشست بسیاری از بزرگان ایل کلهر حضور داشتند.

جواد مدلل مدیر عامل این مجتمع که از چهره های نام آور صنعت ایران است، به عنوان اولین سخنران، پشت تریبون قرار گرفت. وی سخنرانی‌اش را به زبان شیرین کُردی آغاز کرد:« ما از دیار کلهریم. از غرب کشور و از خاک پاک ایران عزیز. مردمان فهیم و شجاعی که مرزداران بزرگی برای این خاک بوده و هستند. افتخار می کنم که امروز میزبان همه شما خوبان هستم. بی شک یکی از روزهای به یاد ماندنی برای من و همه همکارانم خواهد بود. غرض از برپایی چنین نشستی قبل از هر چیز عرض ارادت و همدلی نسبت به مردم عزیز اینجاست.

در طول سال گذشته با آغاز به کار مجتمع، دردسرها و زحماتی برای مردم شریف ساکن منطقه داشتیم. آمده ام بگویم که این گونه دردسرها را بر من ومجموعه همکارانم ببخشند.

او همچنین با خبرهای امیدبخشی که داشت، گفت: «مشتاقم که به تشریح کارها و برنامه های مجتمع باوان بپردازم. با هدف ایجاد یک منطقه کشاورزی و صنعتی به اینجا آمده ایم. تا آنجا که بتوانیم تکنولوژی، صنعت و دانش لازم را به این منطقه انتقال می دهیم. چنین کاری انجام پذیر نخواهد بود مگر با همدلی و همراهی مردمان خوب این سامان. به همین خاطر دست همراهی و کمک را به سمت همه مردم سرمست دراز می کنیم.

در ظرف پنج شش سال آینده منطقه سرمست به عنوان یک منطقه صنعتی و کشاورزی در استان و کشور شناخته و زبانزد خواهد شد. تمام مراحل و مجوزها گرفته شده است. امیدواریم که بتوانیم برای این منطقه مفید باشیم و کارهایی که در شُرُف انجام است، برای مردم و بویژه جوانان این منطقه مثمر ثمر باشد.

به دنبال توسعه مجتمع باوان هستیم و همین جا اعلام می کنم که هر مجموعه ای در اینجا افتتاح شود، مال این مردم است. مردم این منطقه در این مسیر برای چنین اقداماتی همراه باشند. از جنبه های مختلف علمی و آموزشی برای خدمت رسانی به مردم اینجا دریغ نخواهیم کرد.»

مدیرعامل گروه صنعتی مدلل در پایان همچنان کلامی پر از امید برای جوانان سرمستی داشت: «در این مسیری که تا کنون پیش آمده ایم عزیزان بسیاری کمک و همراهی کرده اند. قدردان همه آنان هستم. از مردم شریف منطقه گرفته تا مسؤولان گرانقدر. چون معتقدم وقتی نیت، خیر باشد، بسیارند عزیزانی که باریگر باشند. امیدوارم طوری پیش برویم که اگر کسی در منطقه گواور دنبال کار باشد، مجبور نشود به جای دیگر برود. یعنی اینقدر اینجا کار فراهم شود که نیازی به مهاجرت جوانان جویای کار نباشد. همچنین امیدوارم بسترهای تحصیلات دانشگاهی برای همه جوانان اینجا فراهم شود. تا به راحتی در چرخه کار و زندگی قرار گیرند. به دنبال ایجاد کار پایدار در اینجا هستیم تا چنین اقداماتی مایه ی افتخار استان و بویژه ایل کلهر شود.»

در ادامه مهندس عباسی، کارشناس مسؤول طرح های اجرایی این مجموعه به تشریح برخی از اقدامات پرداخت. وی گفت: در حال حاضر چهار طرح در این منطقه در حال انجام است. یکی از این طرح ها «گلخانه ۵۲ هکتاری» است. همه مجوزهای این گلخانه اخذ شده و امیدواریم که در ماههای آبان و آذر عملیات اجرایی آن شروع شود.

این کارشناس امور کشاورزی همچنین با یادآوری این نکته که به دلیل افزایش جمعیت و کمبود آب و خاک در کشور هیچ چاره ای جز تولید در فضای بسته نداریم، افزود: اگر بخواهیم غذای چنین جمعیتی را با توجه به شرایط موجود تولید کنیم، راهی جز ایجاد گلخانه نداریم. نکته ای که حائز اهمیت است این است که در استان از آغاز تا کنون تنها حدود چهل و چهار هکتار گلخانه داریم اما طرحی که در حال اجرا داریم، پنجاه و دو هکتار است. لازم است که اشاره کنم تنها اشتغالزایی پایدار این گلخانه چیزی بیش از یکهزار و دویست نفر خواهد بود. وی افزود: همچنین بر اساس پیش‌بینی های انجام گرفته واحد تولید کمپوست با ظرفیت تولید ۱۰ هزار تن نیز در دست انجام است که ماده اصلی آن فضولات دامی است.

عباسی در ادامه از اشتغالزایی ۸۸ نفر در این پروژه خبر داد و بیان کرد: عملیات اجرایی فاز اول این طرح در فضایی به وسعت ۵ هزار متر مربع به زودی انجام خواهد شد که نویدخوبی برای مردم منطقه سرمست است. وی طرح سوم در غرب گواور را احداث واحد ۵ هزار راسی میش عنوان کرد و گفت:این طرح نیز با سرمایه گذاری ۴۵۰ میلیارد تومان و اشتغال ۱۵۰ نفر به صورت مستقیم و ۳۰۰ نفر به صورت غیر مستقیم پیش بینی شده است. وی در پایان گفت:در کل استان کمتر از ۵هزار تن تولید گوشت داریم اما اگر واحد گاوداری به عنوان یکی از واحدهای مجتمع به مرحله راه اندازی کامل برسد سه هزار و پانصد تن به تولید استان اضافه نماید. علاوه بر این روزانه ۵۰۰ تن شیر نیز تولید خواهد کرد.

حیدر محمدی امام جماعت بخش گواور نیز با اشاره به اینکه گروه صنعتی مدلل سند توسعه استان است، افزود: حرف اغراق آمیزی نمی زنم و می دانم که این مجتمع هم مثل سیمان سامان و روغن نباتی نازگل برای آیندگان و فرزندان شماست و همه باید کمک کنند تا این منطقه محور رشد و توسعه باشد.

سخنران بعدی رئیس دادگستری گیلانغرب بود. وی یکی از اولویت‌های قوه قضاییه را حمایت از تولید و سرمایه گذاری دانست و گفت: مسئولان باید برای رفع موانع تولید تلاش کنند تا تولید کننده احساس خستگی و ناامیدی نکند. صفری تصریح کرد: امروز مجتمع کشت و صنعت و دامپروری باوان کلهر رونق گرفته و اشتغالزایی خوبی نیز انجام داده است که قابل تقدیر است.

بهرام خان شیرزادی از معتمدان کلهر و فرزند زنده یاد شیرزادخان شیرزادی با جملاتی صمیمی و شفاف مردم را مورد خطاب قرار داد و گفت: خدا را شاکریم که یکی از برادران ما از منطقه کلهر با سرمایه گذاری در این منطقه نقش بسزایی را ایفا کرده است. وی ادامه داد: امیدواریم روزی برسد که شهرستان سرمست رونق یابد و به عنوان شهر صنعتی در همه کشور شناخته شود که با توسعه این منطقه مردم نیز به خواسته‌های خود خواهند رسید. وی مردم را به همدلی و یاری بیشتر با دست اندرکاران مجتمع صنعتی باوان کلهر فراخواند.

عزیز پرنا از معتمدان ایل سیاسیاه نیز گفت: زمین در روند رشد یک جامعه تاثیر دارد اما به تنهایی نمی‌تواند سبب ایجاد اشتغال شود که در این زمینه باید از پتانسیل‌های موجود استفاده کرد و از سرمایه گذارانی که می‌توانند سبب ارتقا و توسعه منطقه شوند، حمایت کرد. وی افزود: مردم باید بدانند اگر کسی قدمی برایشان برمی‌دارد شکر گزار باشند و مدلل نیز باید قدرشناس مردمی باشد که به او اعتماد دارند.

بخشدار گواور در این نشست گفت: دولت به تنهایی توانایی اشتغالزایی ندارد و در این زمینه باید از سرمایه گذاران بخش خصوصی حمایت شود. وی تصریح کرد: یقین دارم در آینده بخش گواور یکی از بخش های مهم صنعتی در کشور خواهد بود. بخشدار گواور در ادامه از مدلل درخواست کرد با توجه به اینکه وی در شهرهای مختلف کارهای عام المنفعه ای برای مردم انجام می‌دهد در این منطقه هم به مردم کمک نماید.

آخرین سخنران این مراسم خانم پرویندخت داودیان کلهر از بزرگان ایل کلهر بود وی ضمن دعوت مردم به همراهی با چنین اقدامات ارزشمندی گفت: اگر جامعه‌ای توسعه می‌یابد نشان از همدلی مردم دارد دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند کار کنند دولت برخاسته از مردم است و اگر توان مردم افزایش یابد دولت با مردم همراه خواهد شد.

کاهش میزان ترانس در روغن نباتی نازگل از جمله کارهای گروه صنعتی مدلل است. وی افزود:خانواده مدلل خدمات بسیاری در غرب انجام داده است که از جمله آن کاهش میزان ترانس روغن تولیدی نازگل است که از ۴۵ درصد به پایین ترین سطح ممکن رسیده است.

داودیان‌از دیگر کارهای جواد مدلل را کمک به خرید دستگاه آنژیوگرافی در شرایطی که نقدینگی نبود، عنوان کرد و گفت: با انجام کارهای خیرخواهانه خداوند نیز در کنار او و خانوادهاش است و در شرایط سخت او را تنها نخواهد گذاشت. توصیه پایانی این معتمد ارزنده‌ی کلهر همدلی مردم با متولیان چنین اقدامات بزرگ و خیرخواهانه‌ای بود که برای آبادانی و توسعه شهرستان گیلان غرب به تلاشی در خور ستایش همت گماشته اند.

عکس از فرتاک